



اساس سوسیالیسم انسان است  
چه در ظرفیت جمعی و چه فردی.  
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.  
منصور حکمت

۳۷

برای

# یک دنیای بهتر

نشریه حزب اتحاد کمونیسم کارگری

Weekly publication of Worker - communism Unity Party

سردبیر: سیاوش دانشور e.mail: siavash\_d@yahoo.com چهارشنبه ها منتشر میشود ۱۳ فوریه ۲۰۰۸ - ۲۴ بهمن ۱۳۸۶



# ۱۶ فوریه؛

روز اعتراض سراسری به جمهوری اسلامی برای آزادی همه دانشجویان زندانی

صفحه ۲



یادداشت سردبیر

سیاوش دانشور

## "انتخابات" خونین

جمهوری اسلامی رژیم کشتن و استاد خون ریختن است. کل عمر منحوس این نظام روی همین رکن استوار بوده است. و این در پایه ای ترین سطح، ضروریات بقای سرمایه داری در ایران است که اعتراض به فقر و استثمار و تبعیض شدید را با اختناق شدید و "مشت آهنین" مهار میکند. نمایش مضحک "انتخابات" رژیم از این قاعده مستثنی نیست. هر دور به کرسی نشستن و تکیه دادن سران ارتجاع به صندلیهای وزارت و وکالت روی دوش قتل عام و سرکوب خونین بوده است. "انتخابات" مجلس نهم هم از این قاعده پیروی میکند. جمهوری اسلامی در ایندوره تا توانست خون ریخت، تا توانست اعدام کرد، تا توانست زیر شکنجه کشت، تا توانست مردم را در سرما و گرسنگی کشت، تا توانست فقر و فحشا و فساد و بیکاری و اعتیاد را گسترش داد، تا توانست سم خودپرستی و ناسیونالیسم و مذهب را به جامعه تزریق کرد، تا توانست علیه کارگر و کمونیسم و آزادیخواهی و برابری طلبی شمشیر کشید، ... و روی این دریای جنایت و قساوت به استقبال "انتخابات" مجلس ارتجاع زمانه و اداره حقوقی دزدی رسمی و قانونی از جیب طبقه کارگر میرود.

نتیجه مذاکرات سران "اصلاحات"، یعنی اسم رمز سهمگیری از لفت و لیس، این شد که حرف حرف حاج آقا "رهبر" است و غلط زیادی موقوف! تعدادی جان برکف اسلام و نظام، که خودشان میگویند که در اینراه از خود "رهبر" جان برکف ترند، به

صفحه ۱۵

گفتگو با مهرداد کوشا

در باره اوضاع سیاسی و وضعیت مردم

صفحه ۶



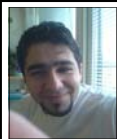
جایگاه اعتراض دانشجویان

آزادیخواه و برابری طلب

در تحولات سیاسی حاضر

صفحه ۳

علی جوادی



تعطیلی صنایع در ایران

علی طاهری

صفحه ۱۰



در باره برخی مسائل

گرهی کمونیسم کارگری

صفحه ۱۸

قسمت سوم

آذر ماجدی



يك شكست بزرگ

به مدافعین اسلام سیاسی

در انگلستان

صفحه ۱۴

هما ارجمند

قدم به قدم

حزب کمونیستی، سازماندهی، شعارها و تاکتیک

صفحه ۱۲

رضا تابان



کنفرانس بین المللی در

گرامیداشت

8 مارس

و همبستگی با زندانیان سیاسی



آزادی سعید حبیبی

سعید حبیبی پس از ۷۲ روز حبس روز سه شنبه به قید

وثیقه سنگین ۱۵۰ میلیون تومانی از زندان اوین آزاد شد. آزادی سعید حبیبی را به خانواده و دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب تبریک میگوئیم.

در صفحات دیگر: تظاهراتها و اجتماعات ۱۵ و ۱۶ فوریه، حمایت اتحادیه های کارگری، کمپین جهانی در دفاع از کارگران ایران، اقدام لیبر استارت، ... لغو حکم شهلا جاهد.

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

# ۱۶ فوریه

روز اعتراض سراسری به جمهوری اسلامی برای آزادی همه دانشجویان زندانی



این سرکوب را باید شکست داد و ما در این تلاش به یاری شما محتاجیم.

ما به این مناسبت روز ۱۶ فوریه را روز اعتراض سراسری به جمهوری اسلامی برای آزادی همه دانشجویان زندانی اعلام میکنیم. همه شما را در هر کجا که هستید فرامیخوانیم که در این روز از هر طریقی که مناسب میدانید، خواهان آزادی فوری همه دستگیر شدگان و توقف فوری سرکوب آزادیخواهان و برابری طلبان شوید.

**آینده از آن ماست!**

**زنده باد آزادی!**

**زنده باد برابری!**

**دانشجویان آزادیخواه و  
برابری طلب دانشگاه های  
سراسر کشور**

۲۷ ژانویه ۲۰۰۸ - ۷ دی ۱۳۸۶

ترس و وحشت را به مبارزه ای که امروز دیگر در سراسر جهان برای آزادی دانشجویان جاری است، تحمیل کند. خانواده های زندانیان را زیر شدیدترین فشارها قرار داده اند.

**مردم آزادیخواه!**

ما، دانشجویان زندانی، خانواده های زندانیان و کل جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی امروز بیش از هر زمان دیگری به حمایت های شما محتاج است. فراخوان ۲۲ دسامبر ما برای آزادی دانشجویان زندانی با حمایت های بی نظیر شما روبرو شد. ما دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب صمیمانه از تلاش های تاکنونی شما سپاسگذاری میکنیم. آکسیونهای سراسری ۲۸ دسامبر یک پیروزی بزرگ و فراموش نشدنی بود که صدای آزادی خواهان و برابری طلبان ایران را به مردم جهان رساند. این تلاش و مبارزه اما هنوز کافی نیست. یاران ما، دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب هنوز در شکنجه گاه ها بسر میبرند، جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی هنوز زیر فشار دستگاه های امنیتی قرار دارند.

در حالی که بر بدنش جای زخم های عمیق دیده میشود است را بخصوص بارها به نمایش گذاشته اند. نیروهای امنیتی یاران ما را زیر شدیدترین شکنجه ها قرار داده اند تا اتهامات واهی را که به آن ها نسبت میدهند را قبول کنند و در شواهد تلویزیونی کثیف سازمان داده شده از طرف خودشان شرکت کنند. کسانی که جرمی جز دفاع از آزادی و برابری و انسانیت ندارند را میخواهند وادار به قبول اتهامات پوچ رابطه با احزاب اپوزسیون بکنند.

ما دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب سخنگو و پرچمدار انسانیت و آزادی و برابری در ایران هستیم. حکومت اسلامی تلاش دارد با سرکوب ما، کل جنبش آزادی و برابری را در ایران سرکوب کند.

حکومت تحت فشارهایی که تاکنون بر او آمده است، وادار به آزادی تعداد کمی از یاران ما با قید وثیقه های بسیار سنگین شده است. حکومت اسلامی پیش از آزادی این عزیزان آنها را زیر شدیدترین فشارها گذاشته است. حکومت تلاش دارد تا بخشی از موفقیت اعتراض ما و شما را با ترساندن و فشار روحی پس بگیرد تا فضای

**همه دانشجویان زندانی  
باید فوراً آزاد شوند!**

**آزادیخواهان جهان!**

زندانی، شکنجه و فشار و دستگیری و تعقیب دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب همچنان ادامه دارد.

درحالی که بیش از ۴۰ نفر از دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب در زندان ها بسر میبرند، نیروهای امنیتی حکومت اسلامی ایران ۱۰ تن دیگر از یاران ما را در تهران در حالی که جمع شده بودند تا درباره اقدامات بعدی برای آزادی رفقایشان بحث کنند، دستگیر و روانه زندان اوین کرد. درمشهد، سندانج، مریوان و قزوین و اصفهان به خانه های دانشجویان حمله کرده اند و تعداد دیگری را ربوده اند و روانه زندان کرده اند.

حکومت اسلامی یاران ما را در حالی که بشدت شکنجه شده اند، به دیگر زندانیان نشان میدهد تا آنها را بترسانند. پیمان پیران در حالی که پا و کتف راستش را شکسته اند، بهروز کریمی زاده

**همراه با دوستان و خانواده تان در اجتماعات ۱۶ فوریه شرکت کنید!**



## جایگاه اعتراض دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب در تحولات سیاسی حاضر

علی جوادی



وحشیانه رژیم به دنبال حفظ موقعیت "ممتاز" و رو به زوال خود بودند. تمام مباحثی که تحت عنوان "مستقل ظاهر شوید تا قد و قامتتان بیان شود" تلاشی در این راستا بود. از اینرو صف شان را جدا کردند. سیاستشان این بود که صف آزادیخواهی و برابری طلبی را "لخت و عور" در مقابل دستگاه سرکوب رژیم قرار دهند. اما در کمال تعجب با صفی از اعتراض روبرو شدند که برایشان غیر قابل تصور بود. برای سپاه و ارگانه‌های امنیتی و سرکوب رژیم که بدون تردید ابعاد چنین حرکتی قابل تصور نبود.

اعتراضات ۱۳ آذر و پس از آن در تاریخ مبارزات ۱۶ آذر و روز دانشجو بی سابقه بوده است. گسترده و هماهنگ بود. پرچم و افق واحدی را در مقابل جامعه قرار داده بود. پرچم انسانیت را به اهتزاز در آورده بود. این صف قادر شد در دانشگاه نیروهای متعدد آزادیخواه و برابری طلب را در صف واحدی متشکل کند. شکل گیری گسترده واحدهای این صف حتی در امتداد اعتراضات ۱۳ آذر نشان دینامیسم و قدرت این جنبش است.

این جنبش توانسته است سر نخهایی معین و روشنی در غلبه بر یکی از معضلات پیچیده جنبش ما بدست دهد. یک عرصه پیشروی کمونیسم کارگری مساله ایجاد تشکل های توده ای و علنی در جامعه اختناق زده و اسلام زده است. این اعتراضات پاسخ عملی به این معضل سیاسی و تئوریک جنبش در این عرصه بود. جنبش ما همواره به این سؤال که آیا در شرایط اختناق میتوان یک جنبش توده ای و سیاسی را سازمان داد، پاسخ مثبت داده است. ما همواره گفته ایم که کمونیستها فقط در شرایط اعتدالی انقلابی و سیاسی نیست که میتوانند عنصر سازمانده تشکل های توده ای و علنی در جامعه باشند. طرح مجامع عمومی کارگری و راه اندازی این جنبش پاسخ سیاسی و تئوریک مثبت ما به این مساله حیاتی است.

صفحه ۴

است. این صف در شرایط ویژه و بسیار پیچیده سیاسی ابراز وجود کرده است که اهمیت بیشتری به این اقدام می بخشد. این اعتراض در شرایطی صورت گرفت که رژیم حلقه های سرکوب را در عرصه های مختلف در تقابل با زنان و جوانان تشدید کرده بود. چوبه های اعدام را در هر کجا بر افراشته بود و بر متن این سرکوب وحشیانه میکوشید تا سلطه سرکوب و ارباب خود را نیز در دانشگاهها هم حاکم کند. به اعتباری برای اوپاش حاکم اسلامی دانشگاه در نقشه تهاجمشان "آخرین" سنگر بود! باید در این سنگر هم پیشروی میکردند. باید اردوی آزادیخواهی و انسانیت را شکست میدادند. اما اعتراضات در دانشگاه هیچگاه محدود به خواستهای دانشجویی و "صنفی" نبوده است. اتحاد نام دانشگاه سنگر آزادی است، تصادفی نیست. دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب نوک کوه یخ اعتراض اردوی آزادی در جامعه است. حساسیت مساله هم در همینجاست.

شرایط را نیز خط و نشان کشیدند دفتر تحکیم وحدتی و تلاش این جریان برای ایزوله کردن کمونیسم و آزادیخواهی به نوعی هموار کرده بود. رژیم نیروی سرکوب خود را در سنگر دانشگاه متمرکز کرده بود. دفتر تحکیم وحدت هم به دنبال ایزوله کردن این اردوی انسانیت بود. به طرف راست و ارتجاع حاکم خم شده بود. تلاش داشتند تا اجازه ندهند نیروی آزادیخواهی و برابری طلبی در دانشگاهها قد علم کند. موقعیت را برای عقب راندن و جلوگیری از گسترش این اردو را مساعد میدیدند. در پناه تهاجم

اعتراض دانشجویان در ۱۳ آذر یک حرکت "خود جوش" یا یک حرکت "عصبی" در تقابل با اقدامات وحشیانه و همیشگی رژیم اسلامی نبود. گوشه ای از ابراز وجود علنی جنبش ما در جامعه است. این تحرک سیاسی محصول سازماندهی و تلاش سازمانگرایانه میان مدت جنبش ماست. هیچ اقدام سیاسی سازمانیافته ای بدون نقشه از پیش و بدون حضور عنصر سازمانده و هدایت کننده قابل تحقق نیست. راه اندازی یک تشکل توده ای با تبلیغ و ترویج میسر نمیشود. برای تحقق آن تنها میتوان دست به کار عملی ایجاد آن بر مبنای یک نقشه آگاهانه و از پیش شد. سازماندهی توده ای مستلزم دخالت مستمر و سازمانیافته و برخورد زنده به موانع کار روزمره است. این ابراز وجود حاصل شکل گرفتن و انسجام سازمانی ماتریال جنبشی است که برای آزادی و برابری و رفاه و انسانیت مبارزه میکند. توانسته است در یک عرصه مهم سیاسی خود را متشکل کند و در سخت ترین شرایط سیاسی و در اوج تهاجم وحشیانه رژیم اسلامی به سنگرهای اعتراضی مردم در جامعه خود را بیان کند.

این کشمکش یک عرصه حاشیه ای در مقابله با رژیم اسلامی نیست. یک شاخص مهم موقعیت رژیم های سلطنتی و اسلامی همواره موقعیت این رژیم ها در سنگر دانشگاه بوده است. به چه میزان قادر شده اند که دانشجویان را به تسلیم و شکست بکشانند؟ به چه میزان قادر شده اند استبداد سلطنتی و خفقان اسلامی را در دانشگاه حاکم کنند؟ به چه میزان توانسته اند شکل گیری هر گونه عنصر سازمانگرایانه در این عرصه را ناپود کنند؟ ابراز وجود گسترده اردوی آزادیخواهی و برابری طلبی و انسانیت در دانشگاهها یک شکست سیاسی مهم برای رژیم اسلامی در دوره اخیر

مدتی است که از تظاهرات دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب در ۱۳ آذر و روزهای پس از آن میگذرد. برای اولین بار در بیش از بیست دانشگاه ما شاهد ابراز وجود گسترده صفی از دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب بودیم که در نوع خود در تاریخ معاصر کمونیسم کارگری بیسابقه بوده است. پرداختن به این اعتراض یک مساله محوری در اوضاع سیاسی حاضر در جامعه است. رژیم اسلامی دهها تن از این دانشجویان را تاکنون دستگیر کرده است. دستگیریهایی گسترده و در شهرهای مختلف بوده است. رکن اصلی سیاست رژیم در مواجهه با این اعتراض تلاش برای نابودی ستون اصلی و سازماندهندگان آن است. اما در مقابل ما شاهد شکل گیری و اعلام موجودیت واحدهای مختلف دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب در دانشگاههای مختلف هستیم. نه این اعتراضات تصادفی و غرضی در آسمان بی ابر بوده است و نه این عرصه از مبارزه فرعی و حاشیه ای است. پیروزی در این عرصه یک حلقه اصلی پیشروی کمونیسم کارگری در جامعه و کسب هژمونی سیاسی در جنبش سرنگونی طلبانه توده های مردم است.

به چند مساله اساسی در زمینه این ابراز وجود دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب باید پرداخت. نقش و جایگاه این اعتراضات در جامعه و جنبش کمونیسم کارگری کدام است؟ برای پیشروی این اعتراضات چه باید کرد؟ ضعف مخالفت خوانیها در چیست؟ بر چه ضعفها و کاستی هایی در این اعتراض باید غلبه کرد؟ مسائل و مشغله های سبک کاری در این چهارچوب کدامند؟

جایگاه این حرکت در تحولات سیاسی جامعه

## جایگاه اعتراض دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب در تحولات سیاسی حاضر...

مسئله وجود آزادیهای سیاسی عامل تعیین کننده ای در گسترش ابعاد و دامنه تشکل های سیاسی و اجتماعی در جامعه است. اما پیش شرط وجودی شکل حرکت و سازماندهی توده ای نیست. مبارزه علنی و قانونی برای جنبش ما یک عرصه همیشگی و دائمی مبارزه و نه یک عرصه فعالیت در شرایط انقلابی و فضای باز سیاسی است. به این اعتبار جنبشی که در ۱۳ آذر ابراز وجود کرد پاسخ عملی به یک معضل گریبانگیر جنبش ما بود. اینکه کمونیسم کارگری میتواند به صفتی شکل دهد که تحت سخت ترین شرایط قادر به عمل سیاسی و فعالیت است. میتواند متشکل کند، میتواند سازمان دهد، میتواند سنگرهای علنی مبارزه را حفظ کند. میتواند سنگرهای اعتراض علنی را گسترش دهد.

این اعتراضات تأثیر ویژه ای بر فضای سیاسی جامعه بجا گذاشته است. ورق را برگردانده است. بر این متن میتوان و باید فصل های جدیدی نوشت. یکی از این پی آمدها چرخش در لحن و صدای کسانی است که امیدشان را در شکست و ضربه خوردن این جنبش میدیدند. شرایط تغییر یافته حتی دفتر تحکیمی ها را وادار به کرنش کرد. آنهایی که امروز ناچار شده اند، اطلاعاتی بی بو و خاصیت در دفاع از آزادی دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب دستگیر شده صادر کنند، دیروز در نقش جاده صاف کن این تعرض عمل کردند. این سیاست ارتجاعی در پرونده شان ثبت شده است.

این جنبش به کل جنبش سرنگونی طلبی توده های مردم قدرت و پیروزی معینی در این دوره بخشیده است. دستگیری و ضربات همواره بخشی از یک مبارزه واقعی و سرنوشت ساز است. اما این ضربات پایدار

نیست. جنبش ما میتواند این عزیزان را از چنگال شکنجه گران رژیم خلاص کند. امید و روشنی راهی که باید طی شود، نقطه مهمی در تحرک سیاسی حاضر است. صف ما ضربه خورده است. دهها تن از عزیزتران ما در زندانها تحت انواع شکنجه ها قرار دارند. برخی آزاد شده اند، مابقی را باید با اعتراضات گسترده خود آزاد کنیم. مسأله اما این است که ورق برگشته است. اردوی ما پیشرویهایی بسیاری در این مبارزه کرده است.

### ارزیابی از حرکت

اما ارزیابی ها از اقدام دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب در ۱۳ آذر و پس از آن یکسان نیست. یک ارزیابی از این اعتراضات بر "حفظ نیرو" تأکید دارد. این اقدام را "زودرس" و "نامتناسب" با توازن قوای سیاسی حاضر در جامعه ارزیابی میکند. ارزیابی دیگری بر "عقب نشینی" تأکید دارد. شرایط ۳۰ خرداد را مد نظر دارد. واقعیت چیست؟ چنین ارزیابی هایی علیرغم عنصر "دلسوزی" مستتر در آن واقعی نیست. به اهداف مورد نظر خود که حتی حفظ نیرو و کادرهای این جنبش است هم منجر نخواهد شد. چرا؟

این جنبش دو انتخاب در مقابل خود داشت. یا باید از اعتراض و ابراز وجود مستقل دست می کشید. یا با سازماندهی گسترده و همه جانبه پرچم آزادیخواهی و برابری طلبی را برافراشته نگاه میداشت. راه سومی وجود نداشت. پی آمدهای هر انتخابی هم کم و بیش روشن بودند. اگر انتخاب اول را برمیگزیدند، بر خلاف تصور نیروهایی که ارزیابی شان از این رویداد بر میزان دستگیریهایی داده شده استوار است، یک شکست سیاسی بزرگی را متحمل میشدیم. شکستی که سیاست "حفظ نیرو" هم

قادر به جبران آن به سادگی نمی بود. شکستی که دست بالای سیاسی به رژیم اسلامی و زائده های دوم خردادی آن در دانشگاه میداد. از طرف دیگر این ارزیابی ها تهاجم از پیش سازمان داده شده رژیم را بنظر در سیاست خود ملحوظ نمیکند. این واقعیت که دستگیری ها از پیش در نقشه رژیم بود. بسیاری از فعالین و رهبران اعتراضات دانشجویی از پیش در لیست دستگیریهایی رژیم اسلامی قرار داشتند، یک واقعیت انکار ناپذیر و برای خود این فعالین روشن بود. رژیم از روی لیستی از پیش آماده شده دستگیر کرد. بسیاری از کسانی که دستگیر شدند در زمره فعالین علنی اعتراضات در دانشگاهها بوده اند. بارها در میتینگها و تجمعات اعتراضی حضور پیدا کرده بودند. سازمان داده بودند و هدایت کرده بودند. اشتباه سیاسی بارزی است چنانچه صحت تاکتیکی این مبارزه را بر مبنای نقشه عمل رژیم مبنی بر دستگیری فعالین این اعتراضات سنجید. واقعیت این است که حتی اگر اعتراضی هم در ۱۳ آذر و یا پس از آن از جانب اردوی آزادیخواهی و برابری طلبی شکل نمیگرفت ما شاهد این دستگیریهایی نبودیم. رژیم منتظر و نیازمند بهانه نیست. تا کتون هم نبوده است. یورش را آغاز کرده بود. اعتراضات ۱۳ آذر به یک دفعه "توجه" رژیم را به صفوف این جنبش در حیطه دانشگاه "جلب" نکرد. واقعیات مادی این جنبش برای رژیم در بسیاری جهات شناخته شده است. مسأله این جاست که توازن قوای سیاسی امکان مانورهایی را از رژیم سلب میکند. بعلاوه مسأله اصلی تر چگونگی حفظ این نیرو است. اتفاقا اعتراضات ۱۳ آذر به اعتباری خود عاملی در جهت حفظ این نیرو در عرصه مبارزاتی است و نه بر عکس. فعالین این عرصه یا باید عرصه درگیری را خالی میکردند و منتظر زمان دستگیری میشدند یا تلاش

میکردند با سازمان دادن اعتراض و بسیج نیروی سیاسی جامعه در حفظ خود بکوشند. راه سازمان دادن اعتراضات گسترده در عین حال راه واقعی و اصولی حفظ نیرو هم بود. به این اعتبار تنها یک انتخاب در مقابل این صف قرار داشت. انتخاب دیگر راهی جز پذیرش شکست و حاشیه ای شدن و دستگیر شدن نبود. این صف چگونگی پیشبرد مبارزه را بطور واقعی انتخاب نکرد. شرایط ویژه ای نیز به این اعتراضات تحمیل شده بود.

تمام کسانی که دلسوزانه به سرمایه های جنبش ما در این عرصه نگاه میکنند و سیاست "عقب نشینی" و یا "حفظ نیرو" را در دستور قرار میدهند سیاستشان عملاً منجر به حفظ این نیرو و جلوگیری از ضربات رژیم نمیشد. تغییر توازن قوای سیاسی و به شکست کشاندن تهاجم رژیم تنها راه چاره بود. بعلاوه بسیاری از این ارزیابی ها بر یک توازن قوای سیاسی نادرست از جامعه استوار است. اوضاع جامعه و موقعیت نیروها را به نوعی مشابه شرایط استقرار حاکمیت اسلامی و سرکوبهای خونین ۳۰ خرداد می بینند. واقعیت این است که نه رژیم اسلامی علیرغم سرکوبگری هایش در آن شرایط قرار دارد و نه جامعه و نیروهای اجتماعی در موقعیت ۳۰ خرداد قرار دارند. اوضاع سیاسی جامعه به شدت تغییر کرده است. توازن قوا تغییر کرده است. وزن و قدرت جنبش ما تغییر کرده است. سیاست حفظ نیرو تنها در سطح اجتماعی تنها با عقب زدن رژیم اسلامی و تغییر توازن قوای سیاسی جامعه در هر عرصه ای ممکن است. بعلاوه هر مبارزه علنی به دفعات مورد تهاجم و یورش رژیم قرار میگیرد. این یک فرض و واقعیت غیر قابل انکار است. جزیی از واقعیت مبارزه علنی است. مسأله اما این است که چگونه میتوان این وجه از اعتراض را با کمترین صدمات به پیش برد؟ چهره های این جنبش امنیت و سلامت خود را با ایجاد حلقه حفاظتی و گسترش محبوبیتشان در عرصه

## جایگاه اعتراض دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب در تحولات سیاسی حاضر...

فعالیت خود و جامعه میتوانند بطور اصولی حفظ کنند.

### برخی مسائل سبک کاری

اما اگر چه سازماندهی اعتراض در ۱۳ آذر یک اقدام اصولی و تنها راه پیشروی بود اما مسائل سبک کاری معینی در چگونگی پیشبرد و حفظ این عرصه از مبارزه مهم و حیاتی اند. و این ما را به مساله چگونگی سازماندهی و پیشبرد یک مبارزه علنی و توده ای در شرایط اختناق و تهاجم وحشیانه رژیم اسلامی میرساند.

باید اذعان کرد که در این عرصه یک ضعف جدی در ابعاد مختلف کار جنبش ما مشاهده میشود. یک مساله پیش روی ما همواره این بوده است که چگونه میتوان در شرایط سرکوب سیاسی مبارزه و تشکلهای مبارزاتی معین را به حاکمیت سیاسی و بورژوازی تحمیل کرد؟ چگونه میتوان مجامع عمومی توده ای کارگری را در شرایط اختناق برپا و دایر کرد و دایر نگاه داشت؟ چگونه میتوان سازمانهای توده ای و علنی از خود در شرایط اختناق بجا گذاشت؟ چگونه میتوان مبارزه علنی و قانونی را در عرصه های مختلف پیش برد.

دو پاسخ همواره در برابر ما قرار داشته است. برای ابراز وجود علنی باید از رادیکالیسم خود زد. آب در سیاست ریخت و سیاست رقیق سازی را به پیش برد. این برخورد راست و توده ایستی به مساله سازماندهی توده ای در شرایط دیکتاتوری و اختناق است. برخورد دیگر با توسل به سختی های مبارزه علنی و سرکوبگری رژیم همواره "زیر زمینی شدن" و کار "مخفی" را در دستور کار خود قرار داده است. هیچکدام از این دو پاسخ راه حل جنبش کمونیسم کارگری نیست. راه حل ما نیست. بهانه

اشاره مختصری کرد. بدون تردید پیش شرط هر نوع مبارزه علنی توده ای وجود صفی از رهبران عملی و حاضر در آن عرصه است. رهبران عملی شخصیت‌های مورد اعتمادی هستند که حد و مرز فعالیت خود در متن یک مبارزه علنی می‌شناسند. تشخیص دامنه معقول اعتراض و فعالیت یک ویژگی پیشروی در چنین شرایط پیچیده ای است. پیشبرد این مبارزه توده ای در عرصه دانشگاه هم از این قاعده عمومی مستثنی نیست. تلاش برای حفظ و پایداری سنگر علنی مبارزه در دانشگاه یک ویژگی مهم و تعیین کننده پیروزی در این عرصه است. جنبش ما در صحنه دانشگاه نیازمند حفظ و گسترش تشکل و سازمانی است که هم اکنون پایه های آن ایجاد شده است. تشکل "دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب دانشگاه‌های سراسر کشور" در اساس چنین ظرفی است. حفظ و گسترش این تشکل مستلزم تاکید بر ویژگی علنی بودن آن است. برای این جریان "زیر زمینی شدن" حکم مرگ است. به لحاظ شرایط، پیشبرد این مبارزه بعضاً مترادف با شرایطی است که اتحادیه های کارگری در

کشورهای دیکتاتور زده آمریکای لاتین در دوره هایی از حیات خود با آن مواجه بوده اند و یا هستند. نفس حفظ علنی سنگر ایجاد شده یک رکن پایه ای این مبارزه است. زیر زمینی شدن راه را برای سرکوب آن هموار میکند. دست رژیم اسلامی را در ضربه زدن به این جنبش باز تر میکند.

به این اعتبار ادبیات این جنبش باید بیانی متناسب با این شرایط بخود بگیرد. "کوتاه نیامدن" در مبارزه معمولاً به "لحن" و "بیان" تند ترجمه شده است. این یک ویژگی پوپولیسم و چپ رادیکال است. چنین "رادیکالیسمی" تو خالی است. پوچ است. بدون پشتوانه مبارزاتی است. یک رهبر عملی باید بتواند تشخیص دهد که چه بیان آژیتاسیونی و در چه

شرایطی باید بخود بگیرد. تناسب لحن و بیان مبارزاتی و نیروی بسیج شده به گرد مبارزه یکی از اصلی ترین مسائل پیشبرد هر مبارزه علنی و توده ای است. این مساله یک پایه قانونمدنی مبارزه در پیشبرد یک مبارزه علنی و توده ای است.

باید تاکید کرد که الگوهای عملی پیشروی چنین اعتراضی نمیتواند متکی بر فعالیت و مناسبات حزبی استوار گردد. اشکال فعالیت علنی اتحادیه های کارگری در آمریکای لاتین شاید الگوی مناسب تری باشد. شیوه فعالیت اتحادیه های کارگری در آفریقای جنوبی در دوران حاکمیت آپارتاید نژادی به شرایط کاری ما در این عرصه نزدیک تر است. به این اعتبار تلاش برای گسترش پایه های اجتماعی این مبارزه حلقه اصلی پیشروی است. متکی کردن این حرکت به مجامع عمومی و گسترده توده دانشجوی، تبدیل این جریان به ظرف علنی اعتراض تمامی دانشجویان رادیکال و آزادیخواه در تقابل با دفتر تحکیم وحدت اصلی ترین مساله ای است که در مقابل رهبری این جریان به لحاظ چشم انداز سبک کاری قرار دارد.

### آزادی دانشجویان

تلاش برای آزادی دانشجویان دستگیر شده و زندانی به یک امر گرهی در جامعه در شرایط حاضر تبدیل شده است. در این مبارزه باید پیروز شد. تلاشهای گسترده اعتراضی تاکنونی باید به ثمر بنشیند. گسترش حلقه های اعتراضی، به میدان کشیدن گسترده خانواده های دستگیر شدگان، سازماندهی اعتراض در دانشگاهها برای آزادی دانشجویان از جمله اقداماتی است که باید در دستور کار ما قرار گیرد.

جنبش ما باید با تمام قوا از موقعیت و دستاوردهای سازمانی و سیاسی کنونی اش دفاع کند. پیروزی در این عرصه یک گام موثر در تامین هژمونی جنبش ما بر اعتراضات جاری در جامعه است. \*

"رژیم نمیگذارد"، "سرکوب میکند" بهانه بسیار ضعیفی برای کم رنگ کردن تلاش برای سازمانگری علنی و یا توسل به پاسخهای جنبشهای دیگر است. جنبش ما بدون اینکه دست به کار جدی سازماندهی مبارزه علنی و قانونی شود نمیتواند در راس یک جنبش توده ای قرار گیرد. این تصور پوچ که مبارزه "قانونی" مستلزم مبارزه در محدوده قوانین و تقلیل خواستها و مطالبات و ابعاد مبارزه به قوانین مدون و حاکم بر جامعه است، یک سیاست راست است. سازشکاری است. هدف ما سازماندهی مبارزه و شکل دادن به تشکل های مبارزاتی توده ای در شرایط سرکوب سیاسی و یا حتی "غیر انقلابی" است. شرایطی که میتوان بر حسب توازن قوای سیاسی ابعادی از مبارزه را به رژیم حاکم تحمیل کرد. معمولاً این وجه از مبارزه برای تغییر توازن قوای سیاسی در جامعه نقش اساسی و تعیین کننده ای را در کنار مبارزه مخفی و زیر زمینی ایفا میکند.

بهرحال پاسخ جنبش ما به لحاظ تئوریک به این مساله روشن است. ما حتی در سخت ترین شرایط سیاسی برای سازماندهی مبارزه علنی و قانونی تلاش میکنیم. این یک رکن دائمی فعالیت ماست. تلاش و سازماندهی علنی و قانونی یک رکن هویت کمونیستی ما در جامعه است. مساله ای حیاتی است. سبک کاری است. کمونیستی که تن خود را به این عرصه نمیزند. از آن به بهانه سختی شرایط سرباز میزند، یک رکن فعالیت هویتی و کمونیستی خود را کنار گذاشته است. یک ویژگی و وجه تمایز کمونیسم کارگری با سنت طبقات و جنبش های غیر کمونیستی کارگری در همین تلاش و سبک کار مستتر است.

مبارزه علنی ویژگی ها و قانونمندیهای دارد که باید به آن

گفتگو با مهرداد کوشا

## در باره اوضاع سیاسی و وضعیت مردم

**یک دنیای بهتر:** رژیم اسلامی در دوره اخیر سیاست از رو بستن شمشیر خونین اسلام را در دستور قرار داد. اعدام را بطور گسترده در دستور خود قرار داد. سیاست دستگیری و زندان و سرکوب را بطور گسترده ای دنبال کرده است. ارزیابی شما از این سیاست رژیم چیست؟ تاثیر این سیاست را در موقعیت سیاسی جامعه چگونه می بینید؟

**مهرداد کوشا:** یک وجه اساسی از عملکرد رژیم اسلامی در طول سی سال حاکمیت سیاه آن، سرکوب وحشیانه جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی و بطور کلی خاموش ساختن هرگونه اعتراض و حرکتی بوده که به هر شکل و اندازه موجودیت نظام را زیر سوال ببرد. سیاست حفظ نظام به هر قیمت و در هر شرایط، بطور کلی سیاست هر دو جناح رژیم بوده و در این راه همواره از زندان و شکنجه و اعدام بهره گرفته اند. شدت و ضعف این وحشیگری در دوره های مختلف تابع شرایط سیاسی و اجتماعی داخلی، پیشروی یا عقب نشینی جنبش مردمی، و نیز شرایط بین المللی بوده است. در عین حال و در کنار این سیاست، بخشی از جنبش ملی اسلامی که می پنداشت حل بحران سیاسی جمهوری اسلامی، آنهم پس از گذشت حدود دو دهه از پیدایش آن، مستلزم استفاده از ابزارهای دیگری نیز هست، اصلاح طلبی دوم خردادی را با رعایت کامل احتیاط ضمیمه سیاست خود ساخت. این سیاست که مشخصاً با دوره ۸ ساله دولت خاتمی تعریف و تداعی می شود،

اگرچه منجر به تغییرات اساسی در ساختار نظام اسلامی و ایجاد ثبات در آن نشد، ولی دوره تفاسی بود برای کاهش فشار و تنش داخلی و خارجی بر جمهوری اسلامی. طبیعی است که جنبش اعتراضی مردم هم تا حدودی توانست از این سوپاپ اطمینان به نفع خود استفاده کند. در این بین، تشخیص منافع و مصالح جمهوری اسلامی در اواسط دهه ۷۰ و تقویم آن از مطالبات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مردم موضوع بسیار با اهمیت و حساسی است که متأسفانه بخشی از نیروهای اپوزیسیون از درک صحیح آن عاجز مانده، بعضاً اصلاح طلبی را مترادف با سهیم شدن در قدرت سیاسی دانستند و با این ترتیب، اصلاح طلبی دوم خردادی را حرکتی مترقی، روبه جلو و در راستای دفاع از حقوق مردم ارزیابی کرده و دنباله روی آن شدند.

باشکست جنبش دوم خرداد و در شرایطی که از یکسودم تمرکز سیاسی در ارکان نظام اسلامی و تشتت در بین جناحهای آن افزایش یافته بود و از سوی دیگر، جنبشهای اعتراضی کارگران، پرستاران و معلمان، با اتکاء به تجربه عملی چندساله، تنها راه برای دستیابی به حقوق صنفی و اقتصادی خود را گسترش این اعتراضات، به منظور وادار ساختن رژیم در پاسخگویی به مطالباتشان ارزیابی کرده و بخش قابل توجهی از جنبش دانشجویی نیز به عنوان کانون تئوریک و نظری جنبش مردمی، خاتمی و دوم خرداد را کاملاً دور زده و با نفی دفتر تحکیم وحدت به عنوان ظرف و تشکیلاتی برای

پیشبرد جنبش دانشجویی، خود را برای سازماندهی جنبش مستقل کمونیستی در دانشگاه آماده می کرد، رژیم اسلامی راهکار خروج از این مخرجه را در شروع دور جدیدی از سرکوب و ترور و اعدام به منظور ایجاد رعب و وحشت یافت و رسالت آن بعهده دولت احمدی نژاد قرار گرفت. تاثیر کاملاً منفی و مخرب این سیاست بر جنبش سرنگونی طلبی و آزادیخواهی برکسی پوشیده نیست. ترس و ناامیدی و پاسیفیسم از بارزترین آثار این سیاست طی یکسال و نیم اخیر بوده، اما بنظر می رسد که این دوره ای موقت است، بطوریکه هم اکنون با وجود همه عوامل سرکوب، مبارزات کارگران و دانشجویان جان تازه ای گرفته است. این مبارزات باید گسترش یافته و سراسری شود. بخصوص که در حال حاضر رژیم اسلامی با بحران سخت اقتصادی مواجه بوده و از این لحاظ ضعیف ترین موقعیت را در عرصه داخلی و بین المللی داراست.

**یک دنیای بهتر:** شما متعلق به نسلی هستید که قتل عامهای ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ و ۱۱ شهریور سال ۱۳۶۷ را از سر گذرانده است. تفاوت شرایط آن دوره را با شرایط دوره حاضر، تفاوت نسل آن دوره را با نسل جوان حاضر در ارزیابی اجتماعی و سنت مبارزاتی چگونه می بینید؟

**مهرداد کوشا:** تفاوتهای زیادی بین این دو دوره وجود دارد و تغییرات زیادی رخ داده است. این تغییرات هم در موقعیت رژیم اسلامی است، هم در وضعیت نیروهای اپوزیسیون و سنتهای مبارزاتی آنها.

30 خرداد سال 1360 که با قتل عام و زندان و شکنجه نسلی از مردم ایران آغاز شد، نقطه عطف شکست انقلاب 57 و حاکم شدن رژیم اسلامی است. در آن دوره آگاهیهای سیاسی و اجتماعی مردم و شناخت شان از جمهوری اسلامی به مراتب کمتر از امروز بود. بسیاری نسبت به حکومت دچار توهم بودند و البته برخی از سازمانهای سیاسی نیز به این توهم دامن می زدند. در چنین فضایی رژیم می توانست هر روز دهها نفر از کمونیستها و آزادیخواهان را به جوخه های اعدام بپردازد؛ اسامی شان را از رادیو و تلویزیون اعلام کند و با پیشرمی تمام زندان را "دانشگاه آدم سازی" بنامد. سی خرداد سرآغاز یک دوره سیاه در تاریخ بشریت است که جمهوری اسلامی توانست جامعه ایران را بشدت مرعوب ساخته و درسایه آن حاکمیت سیاسی خود را تثبیت نماید. طی 30 سال گذشته این رژیم از بحرانهای متعددی عبور کرده و تجارب زیادی در سرکوب و ترور آموخته و روشهای مختلفی را آزموده است؛ حوزه عمل اسلام سیاسی را در خارج از مرزهای کشور گسترش داده و با تشکیل و تقویت سازمانها و دسته های تروریستی، موقعیت خود را در منطقه محکمتر نموده است؛ با روشهای دیپلماسی آشنایی بیشتری پیدا کرده و در زد و بندهای سیاسی در عرصه بین المللی حضور فعالتری یافته است. این رژیم اما هیچگاه مطلوبیتی نزد مردم ایران و کل بشریت متمدن جهان نداشته و به عنوان یکی از حکومتهای بشدت منفور عصر حاضر محسوب می شود.

در مورد نسل پیشین و سنتهای مبارزاتی آن و مقایسه آنها با دوره حاضر ابتدا باید نگاهی به گذشته انداخت. دوره قبل از 30 خرداد 1360 اگرچه مبارزه سیاسی با شدت تمام و با حضور توده وسیعی از کمونیستها و آزادیخواهان جریان داشت، اما مرزبندیهای سیاسی شفاف نبود و این مبارزات بیشتر شکل پوپولیستی

**یک دنیای بهتر، برنامه حزب را بخوانید و تکثیر و توزیع کنید!**

## در باره اوضاع سیاسی و وضعیت مردم ...

داشت، تا کمونیستی. نیروهای این جنبش عمدتاً فاقد مدرنیسم فکری و دچار رسوبات مذهبی، تابوها و سنن قدیمی بودند. تاریخ، فلسفه، جامعه‌شناسی و ادبیات کلاسیک مارکسیستی نزد این نیروها بیشتر علوم تفسیر وضع موجود بود تا تغییر آن. نقطه عطف مشخصی در تغییر این دوره، ظهور ادبیات کمونیستی و نقد سیاسی مدنی است که با انتشار کتابها، مقالات و نشریات "هسته سهند" و سپس "سازمان اتحاد مبارزان کمونیست" تحت رهبری منصور حکمت به سرعت رشد و گسترش یافت و به جنبشی که عملاً فلج و متوقف شده بود، جان تازه بخشید. متأسفانه این دوره مدت زیادی نپایید و در شرایطی که هنوز سنتهای مبارزاتی گذشته غالب و جنبش کمونیستی در آغاز یک دوره گذار قرار داشت، دستگیری وسیع کمونیستها و آزادیخواهان و قتل عام آنها توسط رژیم اسلامی شروع یک دوره فترت در جنبش کمونیستی و سرنگونی طلب را رقم زد. طی این دوره هزاران نفر از نیروهای اپوزیسیون جان باختند و کسانی که از این مهلکه جان بدر بردند، در واقع بازماندگان یک هولوکاست واقعی بودند که اکثر آنها در اواخر سال ۱۳۶۷ از زندانها آزاد شدند. این فاجعه انسانی و عوارض و تبعات آن، بیشتر کسانی را که پس از آزادی از زندان در داخل کشور باقی ماندند، از لحاظ سیاسی خانه نشین کرد.

از سوی دیگر، دستاوردهای ارزنده سیاسی و تئوریک کمونیسم کارگری طی این دوره - که به سبب استقرار کانون آن، یعنی حککاء، درخارج از کشور از حملات وحشیانه رژیم اسلامی در امان مانده بود - و نیز سپری شدن دوره فترت ناشی از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سطح بین المللی و درکنار آن، بهره‌گیری از پیشرفتهای

تکنولوژیک در عرصه ارتباطات، مهمترین عواملی بود که توانست به دوران فترت مبارزه سیاسی و اجتماعی در داخل کشور پایان داده و در عین حال، نسل جدیدی را پرورش دهد؛ نسلی که امروز هویت مستقل و کمونیستی خود را در جنبش دانشجویی اعلام داشته، ولی هنوز در نیمه راه است. سرزنده و سرشار از انرژی است؛ مرزبندیهای سیاسی به مراتب شفافتری نسبت به نسل پیشین دارد؛ خودش را از تابوها و سنن گذشته رها ساخته و پایبند سکولاریسم است؛ دنیا را در جلوی خود دارد و دلیلی نمی بیند که از دستاوردهای تمدن بی بهره باشد. بسیار بی پرواست و علیرغم مواعی که حکومت سر راهش قرار داده، کوتاه نمی آید و با نظام حاکم جنگ و گریزی پیوسته و مستمر دارد.

مبارزه این نسل، با در نظر داشتن کمیت قابل ملاحظه نیروهای آن، برجسته ترین نقش را در ارتقاء آگاهیهای سیاسی و اجتماعی مردم و پیشبرد مبارزات آنها داشته و خواهد داشت.

**یک دنیای بهتر:** دو جنبش اجتماعی، ناسیونالیسم پرو غربی و کمونیسم کارگری در طول سالهای گذشته تلاش کرده اند افق و آرمان و چشم انداز خود را از وضعیت بر تحولات جامعه حاکم کنند. کلا موقعیت این جنبشها را در اذهان جامعه چگونه می بینید؟ عموم مردم زمانیکه به آینده فکر میکنند، کدام تصاویر در ذهنشان برجسته میشود؟

**مهرداد کوشا:** عموم مردم وقتی به آینده فکرمی کنند، اولین تصویری که در ذهنشان مجسم می شود، یک زندگی آرام، بدون جمهوری اسلامی است. بیزاری مردم از این حکومت ابعادی همه جانبه دارد. مردم ایران، فارغ از هر عقیده و

بینشی، بدرستی تمامی مشکلات اقتصادی و اجتماعی خود را ناشی از حاکمیت رژیم اسلامی می دانند و سرنگونی آنرا آرزو می کنند. اگرچه عده ای منشاء رفتار و عملکرد حکومت را قوانین دینی ارزیابی کرده و این دو را لاینفک از هم می دانند و عده ای برخلاف این نظر و البته به اشتباه، معتقد اند که دین منفک و مبرا از حکومت و عملکرد آن بوده و تنها ابزار و وسیله ای در دست حاکمیت است، ولی جملگی بر ضرورت جدایی دین از سیاست و دولت و شئون اجتماعی تاکید داشته و عملاً جامعه ای را به عنوان آلترناتیو جمهوری اسلامی در نظر می گیرند که خصیصه اصلی آن سکولاریسم است؛ امری که مسلماً پیش شرط سایر تحولات اجتماعی خواهد بود. علاوه بر آن، مردم خواهان رفاه اقتصادی، شادی، روابط انسانی، برخورداری از آزادیهای اجتماعی و سیاسی و بطور خلاصه، خواهان برقراری نظامی هستند که در آن خود حاکم بر مقدرات خویش باشند. علیرغم این موضوع، در پاسخ به این سؤال که از نظر عموم مردم آلترناتیو جمهوری اسلامی ناسیونالیسم پرو غرب است یا کمونیسم کارگری، باید بگویم که انتخاب قطعی هنوز صورت نگرفته است. می توان چنین گفت: اگر بلافاصله و همین امروز در این باره رای گیری شود، اکثریت آراء بنفع ناسیونالیسم پرو غرب است و چنانچه در فضایی کاملاً آزاد و به مدت حدود شش ماه امکانات یکسان برای تبلیغ دو آلترناتیو یادشده فراهم گردد و سپس رای گیری صورت گیرد، اکثریت آراء بنفع کمونیسم کارگری خواهد بود. دقت و توجه کافی به این مسئله توسط احزاب و نیروهای جنبش کمونیسم کارگری - در شرایطی که فراهم شدن چنین فضای آزاد سیاسی، حداقل در کوتاه مدت ممکن بنظر نمی رسد- موضوع بسیار با اهمیتی است که اولاً ضرورت کار تبلیغی گسترده بین مردم و ثانیاً، توجه به پتانسیل جنبش کمونیسم کارگری

را جهت اتخاذ تاکتیک های صحیح مبارزاتی در دستور کار آنها قرار می دهد.

**یک دنیای بهتر:** گرانی و افزایش قیمتها سیر صعودی ای را در چند سال اخیر طی کرده است. در سال گذشته تورم افزایش ناگهانی داشت. عوامل اقتصادی و سیاسی این افزایش قیمتها را در چه می بینید؟ مردم چگونه با این وضعیت سر میکنند؟

**مهرداد کوشا:** پدیده کنونی حاکم بر اقتصاد ایران را می توان "رکود تورمی" نام نهاد. سرمایه گذاری در بخش تولید بطور مستمر و فاحش کاهش یافته، بنحوی که بعضی از صاحبان سرمایه کار تولیدی را نوعی حماقت اقتصادی می دانند. این امر بطور کلی ناشی از فقدان سودآوری و انباشت متعارف سرمایه در شرایط فعلی ایران است که علاوه بر بحران ذاتی سرمایه داری، عوامل و فاکتورهای متعددی را شامل می شود. فقدان قوانین و مقررات مشخص و باثبات در تمامی زمینه ها، وجود مراکز متعدد تصمیم گیری، سلطه سازمانها و نهادهای دولتی بر تمامی عرصه های اقتصادی، وجود نهادها و بنگاههای اقتصادی خاص که با استفاده کامل از رانت های مالی و مالیاتی و غیره در بخش تولید یا واردات کالا امکان هرگونه رقابت در بازار را از دیگران سلب می نمایند، در اختیار نبودن مواد اولیه لازم برای تولید کالا، برخوردار نبودن اکثر واحدهای تولیدی از تکنولوژی روز دنیا، مانع تراشی انواع و اقسام سازمانهای دولتی و نهادهای عمومی بر سر راه تولید و در مجموع، فقدان استراتژی و تاکتیکهای اقتصادی منطبق با سیاستهای جهانی سرمایه عمده ترین عواملی است که در بعد اجتماعی، کار تولیدی را از صرفه اقتصادی باز داشته است. این عوامل باعث افزایش روزافزون بیکاری و فقر معیشتی توده مردم و در نتیجه، رکود اقتصادی شده و این روند

## در باره اوضاع سیاسی و وضعیت مردم ...

همچنان رو به گسترش است. بطوریکه روزانه چندین واحد تولیدی فعال متوقف می شوند و کارکنان آنها به خیل بیکاران می پیوندند. صنعت نساجی اولین صنعتی بود که توقف و ورشکستگی آن از اوائل دهه 70 آغاز شد و امروز صنایع مختلف دچار این عارضه شده اند؛ عارضه ای که همواره واردات کالای مشابه توسط سرمایه تجاری رانتهی و مافیایی و البته با بهایی ارزان تر از تولید داخلی را، بهمراه داشته است. نمونه بارز این پدیده در شرایط حاضر، واردات مقادیر هنگفتی شکر ظرف 2 سال اخیر است که موجب شده بخش اعظم تولید سال 85 و کل تولید سال 86 کارخانجات شکر به فروش نرسد و در انبارها تلمبار شود. در وضعیت کنونی، بجز صنعت نفت و گاز که در انحصار کامل دولت و سازمانهای نظامی و اطلاعاتی بوده و از پشتوانه بی حد و حصر مالی برخوردار است، سایر صنایع به درجات مختلف دچار رکود و بحرانی هستند که نمود عینی آن عبارت است از: زیان دهی عملکرد، در اختیار نداشتن منابع مالی برای خرید مواد اولیه و تامین سایر هزینه ها، بدهیهای سنگین بابت مالیات، حق بیمه، حقوق و مزایای کارکنان و وامهای بانکی، کاهش مستمر تولید، بالا بودن بهای تمام شده تولید و پایین بودن کیفیت آن و عدم توانایی به حضور در بازار و رقابت با کالاهای وارداتی (عمدتاً چینی). تا اینجا مربوط می شد به رکود اقتصادی و ویژگیهای آن.

از سوی دیگر، ایران کشوری است که بودجه دولتها همواره با درآمدهای نفتی بسته شده و می شود. این فاکتور ضربه در رکود تولید و سرمایه گذاری در بخش صنعت، مساوی است با افزایش بیش از حد و غیرطبیعی نقدینگی و تورم. دولتهای قبل از احمدی

نژاد تا حدی به این موضوع پی برده و با تهیه بودجه های انقباضی، تشکیل صندوق ذخیره ارزی و برخی سیاستهای دیگر سعی در کاهش حجم نقدینگی و مهار تورم داشتند. مسلم است که در جمهوری اسلامی هیچگاه بستر مناسب سیاسی برای حل بحران اقتصادی وجود نداشته و این بحران همواره جزء لاینفک رژیم اسلامی بوده و خواهد بود. با اینحال سیاستهای دولت احمدی نژاد دو چندان به سرعت این بحران افزود و همراه با رشد فزاینده حجم نقدینگی، نرخ تورم را طبق آمار صندوق بین المللی پول، تا حدود 20 درصد بالا برد. این سیاستها کار را بجایی رسانده که سروصدای بعضی مقامات دولتی هم درآمده است. اخیراً طهماسب مظاهری، رئیس بانک مرکزی اعلام کرد که "میزان نقدینگی در پایان مهرماه امسال به 148 هزار و 100 میلیارد تومان رسیده" و با این ترتیب، رشد نقدینگی طی مدت دو سال حدود 90 درصد بوده است. وی همچنین با استناد به گزارشهای اداره کل اقتصادی و دارایی استان قم و گزارش وزارت اطلاعات در باره "طرحهای زود بازده" ابتکاری رئیس جمهور، شکست این طرحها را اعلام داشت.

این موضوعات به اضافه عوامل دیگری همچون بودجه های کلان رسمی و غیر رسمی حکومت برای پیشبرد میلیتاریسم و تروریسم و یا لفت و لیس مقامات رژیم در موسسات، شرکتهای و سازمانهای دولتی و بنیادهای رنگ و وارنگ که خود در حد ارقام بودجه ایست، عملاً ساختارهای اقتصادی کشور را نابود ساخته است.

می پرسید مردم چگونه با این وضعیت سر می کنند. طبیعی است که هر انسان گرسنه ای باید سیر شود و حداقل نیازهایش برآورده گردد. اکثر کسانی که مشغول

بکار هستند و حقوقشان هم بموقع پرداخت می شود، با اشتغال به کار دوم که معمولاً مسافركشی است، به هر ترتیب ماه را به پایان می برند. عده ای هم که کارشان بیشتر در ارتباط با امور روزانه مردم و مراجعات آنهاست، با گرفتن رشوه و حق حساب (به قول زعمای قوم، حق التسریر) روزگار می گذرانند. بنظر من هیچکس را در این سطح نمی توان متهم به عمل خلاف نمود. بعنوان یک قاعده کلی، این سیستم فاسد حکومتی است که کارکردهای اقتصادی واجتماعی اش فراتر از اراده آحاد جامعه قرار گرفته و آنرا به امور عادی و روزمره زندگی مردم تبدیل می سازد. اما برای افرادی که محروم از کار و درآمد هستند، برآستی راهی بجز روی آوردن به شغل های کاذب، فروش مواد مخدر، تن فروشی و امثال آن و یا دزدی باقی نمی ماند. بیکاری و فقر اقتصادی، در کنار عوارض و تبعات اجتماعی آن و در سایه عقب مانده، فاجعه انسانی غریبی را موجب شده که گوشه هایی از آن همه روزه در صفحه حوادث روزنامه ها بچشم می خورد.

**یک دنیای بهتر: روحیه اعتراضی در جامعه بالاست.** اعتراض کارگران و جوانان و زنان گسترده است اما ما کمتر شاهد اعتراضات توده ای در سطح جامعه هستیم. علت این مساله را در چه می بینید؟

**مهرداد کوشا:** همانطور که گفتید اعتراضات گسترده است، اما یکپارچه نیست و منجر به فلج کردن نظام اسلامی نمی شود. مردم در عین تنفر و انزجاری که از جمهوری اسلامی داشته و به این حقیقت پی برده اند که هر حق و خواسته ای را فقط با زور از این رژیم می توان گرفت، ولی نیازمند مرجعیت و نقطه اتکایی برای مبارزات خود هستند که هنوز

آنرا بطور مشخص نیافته و یا انتخاب نکرده اند. این کمبود از لحاظ روان شناختی موجد نوعی منع و تردید، بخصوص در اقبال میانی جامعه، می شود و گاهی به این تصور می انجامد که شاید یکسره کردن کار جمهوری اسلامی فقط کار آمریکاست. عده ای نیز با یک جمع بندی سطحی از تجربه سرنگونی حکومت پهلوی و جایگزینی آن با جمهوری اسلامی و با این نتیجه گیری که انقلاب باعث پس رفت جامعه و وضع معیشتی مردم شد، از هرگونه حرکت انقلابی در هراس بوده و مصلحت را در رفتار محافظه کارانه می بینند. با این وضعیت و در شرایطی که دستگاههای پلیسی و امنیتی جمهوری اسلامی هر صدای مخالفی را سرکوب می کنند، ماکتر شاهد اعتراضات صریح و شفاف سیاسی بوده و اعتراضات مردم بیشتر در قالبهای اقتصادی و صنفی و معمولاً بصورت پراکنده بروز کرده است.

**یک دنیای بهتر:** بعضا شنیده میشود که مردم علت پایداری رژیم اسلامی را در نبود مساله رهبری در صفوف اپوزیسیون سرنگونی طلب میدانند. ارزیابی شما چیست؟ کمونیسم کارگری برای پر کردن این خلاء چه باید بکند.

**مهرداد کوشا:** درست است. همه کسانی که پیش شرط رفع معضلات اقتصادی و اجتماعی ایران را خلع ید سیاسی از جمهوری اسلامی توسط خود مردم می دانند، یکی از دلایل اصلی پایداری رژیم را فقدان رهبری منسجم در اپوزیسیون سرنگونی طلب ارزیابی می کنند. شک نیست که جمهوری اسلامی در تمامی 30 سال گذشته از هر وسیله، ابزار و سیاستی، در داخل و خارج کشور، برای حفظ خود استفاده کرده، اما آنچه که باعث موفقیت رژیم در این زمینه شده، در واقع



## در باره اوضاع سیاسی و وضعیت مردم ...

ضعف اپوزیسیون در سازماندهی یک جنبش گسترده، یکپارچه و پیگیر و در نتیجه از قوه به فعل در نیامدن پتانسیل انقلابی مردم بوده است. رژیم اسلامی نیروها و تشکیلات متعدد نظامی و شبه نظامی برای بقاء خود تدارک دیده و تاکنون بهره زیادی از آنها برده است. سرکوب وحشیانه جنبش دانشجویی تیرماه سال ۱۳۷۸ که می رفت به یک جنبش انقلابی گسترده تبدیل شود، توسط نیروهای انتظامی و امنیتی و در کنار آن، کنترل کوچکی و خیابانهای شهر توسط نیروهای بسیج، مصداق این واقعیت است. اما تدارک همه این ابزار و نیرو و یگان و گشت و غیره با صرف هزینه های بسیار بسیار هنگفت از کیسه مردم، از نان و آب و درمان و مسکن آنها و بطور مشخص، از ثروت بیکران نفت و گاز کشور حاتم بخشی می شود. حال در نظر بگیرید که این رژیم با اعتصاب یکپارچه کارگران صنعت نفت مواجه شود. آنگاه همه شاهد خواهند بود که شمشیرهای رژیم بسرعت کند شده، سایر اقدار به کارگران اعتصابی پیوسته و ابزارهای سرکوب پی در پی از کار خواهند افتاد.

با این ترتیب، سرنگونی جمهوری اسلامی نیاز به یک انقلاب دارد؛ انقلاب سازماندهی و رهبری می خواهد و رهبرکسی است و سازمانی است

که تا آن درجه مورد اعتماد مردم قرار گرفته که با یک فراخوان عمومی می تواند اعتصابات سراسری براه انداخته و آنرا سازماندهی و اداره کند.

اگر قرار است جنبش سرنگونی توسط احزاب کمونیزم کارگری سازماندهی و رهبری شود، که قطعاً چنین است، به نظرم در شرایطی که بسر می بریم، عمده ترین مانع در کار این احزاب سکتاریسم آنهاست. اعتراضات کنونی کارگران و سایر اقشار مردم، هم به لحاظ کمی و هم به لحاظ کیفی، باید و می تواند بسرعت ارتقاء یابد. اما این مهم قبل از هر چیز در گرو شناخت زمینه های مادی سکتاریسم و مرزبندی با آن در احزاب، هم در تئوری و هم در پراکتیک است. سال ۱۳۸۶ شاهد رشد کیفی چشمگیری در جنبش دانشجویی، به واسطه اعلام استقلال بخش چپ و رادیکال آن، بودیم. تحت تاثیر این جنبش، اعتراضات توده ای می تواند تغییرات عمده ای را تجربه نماید. سکتاریسم در احزاب کمونیزم کارگری جنبش دانشجویی را هم از حرکت بالقوه آن باز خواهد داشت. و در خاتمه، یادآوری تجربه تاریخی و خاطره شیرین کنفرانس برلین که همه جا و همواره با حزب کمونیست کارگری منصور حکمت تعریف و تداوم می شود. امروز آیا احزاب این جنبش قادر به ایفای نقشی به همان برجستگی خواهند بود؟ \*

## قطعه نامه حزب اتحاد کمونیزم کارگری در اعتراضات ۱۶ فوریه

جامعه هستیم.

۳- جدایی دین از دولت و آموزش و پرورش و استقرار یک نظام سکولار هستیم.

۴- لغو اکید مجازات اعدام و حبس ابد هستیم.

۵- برابری کامل حقوقی و اجتماعی زنان و مردان در تمامی شئون اجتماعی و نابودی آپارتاید جنسی و حجاب اسلامی هستیم.

۶- پایان دادن به هرگونه تبعیض و نابرابری سیاسی و اجتماعی و حقوقی بر حسب جنسیت، محل تولد و یا تکلم به زبانهای مختلف هستیم.

۷- پرداخت فوری حقوق و مزایای پرداخت نشده کارگران، پرداخت بیمه بیکاری مکفی به همه افراد آماده به کار هستیم.

۸- خدمات بهداشتی و پزشکی رایگان، مناسب و در دسترس همگان هستیم.

۹- استثمار انسان از انسان را دون شان جامعه بشری میدانیم و برای نابودی آن مبارزه میکنیم.

۱۰- برای جامعه ای آزاد، برابر، شاد و مرفه و انسانی برای همگان مبارزه میکنیم.

ما اعلام میکنیم که تحقق خواستهای ما منوط به سرنگونی تمام و کمال رژیم جمهوری اسلامی است.

\*\*\*

**ما شرکت کنندگان در اعتراضات ۱۶ فوریه، "روز اعتراض سراسری به جمهوری اسلامی برای آزادی همه دانشجویان زندانی" جمهوری اسلامی را بخاطر:**

۱- سرکوب و دستگیری و شکنجه، سنگسار،

۲- اعدام بیش از ۱۰۰ هزار تن از مخالفین،

۳- سرکوب هرگونه آزادی سیاسی، عقیده و اجتماعات و تظاهرات،

۴- تحمیل موقعیت فرودست به زنان،

۵- اعمال حجاب اسلامی،

۶- سنگسار و قطع وحشیانه اندام انسانها،

۷- تجاوز اسلامی به دختران ۹ ساله،

۸- تحمیل فقر و فلاکت و بیکاری و گرسنگی بر جامعه،

۹- سرکوب خوشی و شادی و فراغت،

۱۰- برپا کردن چوبه های دار، سرکوب و دستگیری زنان و جوانان محکوم میکنیم.

**ما شرکت کنندگان در این تظاهرات اعلام میکنیم که خواهان:**

۱- آزادی بی قید و شرط آزادی دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب، کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی هستیم. ما از "دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب دانشگاههای سراسر کشور" دفاع میکنیم.

۲- آزادیهای بی قید و شرط سیاسی، آزادی مطبوعات، تشکل، تحزب و اعتصاب، در

## نشریه

## یک دنیای بهتر

را بخوانید و به دوستانتان توصیه کنید!

با نشریه مکاتبه کنید، سوالات و نظراتتان

را با ما در میان بگذارید!

پی آن نابودی زمین های کشاورزی و بیکاری و گرسنگی کشاورزان....



## تعطیلی صنایع در ایران

علی طاهری

انجمن تولید کنندگان کود شیمیایی در انتهای نامه خود خواستار حذف یارانه کود و اراداتی شده اند. زیرا پرداخت این یارانه که قاچاق کود شیمیایی به کشورهای همسایه را به دنبال دارد را مسبب وضعیت نا بسامان واحدهای تولیدی داخلی عنوان کرده اند.

### صنعت آلومینیوم

در حال حاضر 250 تا 300 هزار نفر در صنعت آلومینیوم اشتغال دارند. رئیس اتحادیه تعاونی های سراسری صنایع آلومینیوم کشور با اشاره به این که تکنولوژی صنعت آلومینیوم به روز است، گفت: تولید این بخش 200 هزار تن در سال است در صورتی که این میزان باید دو برابر وضعیت فعلی باشد. با اشاره به این که دو سال است صادرات آلومینیوم و واردات مواد اولیه این صنعت قطع شده است و دولت هم حمایتی از صنعتگران نمی کند.

### خطر بی کاری کارگران و کشاورزان دانه های روغنی

در طول 40 سال اخیر تولید دانه های روغنی 5/5 برابر شده است اما واردات این محصول به دلیل افزایش سرانه 100 برابر شده است. ضریب خودکفایی دانه های روغنی را 14/3 درصد اعلام کرده اند که قطعا واردات 85 درصدی روغن می تواند صدمات جبران نا پذیری را برای سایر محصولات مانند کنجاله و صنایع دام و طیور ایجاد کند. در سال 84 و 85 تعرفه ی وضع شده برای دانه های روغنی 15 درصد و برای کنجاله های سویا 25 درصد بود که پس از فشارهای بسیار به اسم دفاع از صنعت مرغ داری تعرفه ی واردات کنجاله به 4 درصد رسید.

سال اخیر به بهانه عدم افزایش حتی 5 درصدی قیمت محصول نهایی، دستمزد کارگران افزایش نداشته است. بهانه ی دیگر این است که سهمیه پی وی سی که دولت برای تولید به کارخانه ها می دهد جواب گوی نیاز آنها نیست و آنها مجبورند دست به واردات بزنند.

### کارخانه های کود سازی

15 هزار نفر کارگر در این واحدهای تولید در حال کار هستند که به دلیل عدم حمایت وزارت کشاورزی در آستانه تعطیلی هستند. استفاده از کودهای تک عنصری بدون شناسایی و تجزیه خاک های زراعی کشور برای تشخیص نوع خاک و نوع کود مناسب، بزرگ ترین صدمه را به خاک های زراعی وارد می کند. انجمن تولید کنندگان کود شیمیایی در نامه ی خود نوشته اند:

...طبق روال 50 سال قبل کودهای تک عنصری از خارج کشور خریداری شده است و با یارانه ای که دولت آن را می پردازد توزیع شده است. در این مدت تنها حدود ده درصد از 4/4 میلیون تن کود شیمیایی تبدیل به کود کامل دارای مواد مغذی شده است، آن هم برای کل خاک های ایران با یک فرمول که به هیچ وجه متناسب و تامین کننده نیازهای متنوع کل کشور نمی باشد. استفاده از این کودها علاوه بر مضراتی چون فرسایش خاک و آلودگی محیط زیست، اگر تغییری در این زمینه رخ ندهد، سیاست واردات بی رویه گریبان هزاران کارگر واحدهای تولیدی را خواهد گرفت و به زودی شاهد تعطیلی و بیکاری هزاران کارگر دیگر خواهیم بود و در

وجود ندارد. اعتراضات کارگران در این وضعیت با سرکوب شدید و سردواندن رویرو میشود. بدون یک اتحاد وسیع کارگری و یک تلاش سازمانگرانه وسیع نمیتوان با این وضعیت فلاکتبار مقابله کرد.

مختصرا نگاهی به تعطیلی صنایع در ایران و بیکارسازیهای متعاقب آن میندازیم تا بیشتر با "پیشرفت اقتصادی" سران رژیم اسلامی آشنا شویم:

### عسلویه

بسیاری از پروژه های نفتی عسلویه تعطیل است و کار در آن انجام نمی شود. با تعطیلی هر یک از پروژه ها هزاران کارگر بیکار می شوند.

### صنعت چرم

بیش از یک میلیون نفر در این صنعت مشغول به کار هستند که به بیکاری تهدید می شوند. عدم حمایت از این صنعت و عقب ماندگی تکنولوژیکی آن باعث نابودی این صنعت است. در حالی که تبدیل پوست خام به سالامبور با تکنولوژی قدیم باعث استفاده بی رویه از مواد شیمیایی سمی شده است. هیچ تلاشی جهت به کارگیری تکنولوژی پیشرفته در این زمینه صورت نگرفته است و این صنعت محیط زیست را تخریب کرده و رودخانه ها و فاضلاب ها را آلوده می کند. زیرا در تبدیل پوست به سالامبور از سیانور که یک ماده سمی قوی است استفاده می شود. به این ترتیب کارگران این صنعت در معرض خطرهای فراوان قرار دارند. در حال حاضر بیش از 50 کارخانه مشغول تولید چرم مصنوعی هستند اما واردات از چین با تعرفه های پایین باعث شده است تا این صنعت از باز تولید داخلی از نفس بیفتد. در دو

یکی از ادعاهای مسئولین رژیم اسلامی و بلاخص دولت احمدی نژاد جنایتکار ایجاد راه کارهایی برای پیشرفت اقتصادی بوده است. شوهای تلویزیونی وزیري که در بین چندین مهندس راه می رود و طرح های به اصطلاح عمرانی را افتتاح می کند را همه ما دیده ایم. اما چشم مردم ایران در این سی سال از این تبلیغات عوام فریب پر است. اما در آن طرف واقعیت "پیشرفت اقتصادی"، بیکار سازیهای انبوه، قیمت رو به تصاعد مواد مصرفی خوراکی که در شش ماه دوم امسال مرز 400 درصدی را هم شکست (این را ما نمی گوئیم مسئولین خود رژیم می گویند. به نقل از ایسنا) تصویر دیگری از این "پیشرفت اقتصادی" می دهد. مفسرین جمهوری اسلامی البته پر کردن حساب های بانکیشان را شاخص "پیشرفت اقتصاد" می دانند. مدل خزانه اسلامی که در بانکهای سوییس برپاست نمونه ای برای پیشرفت اقتصادی با همان شاخص های بانک جهانی پول و سازمان تجارت جهانی است که با تناقضات جمهوری اسلامی یک ورشکستگی کامل را برای سرمایه داران در ایران رقم زده است. صنایع بی شماری که به تعطیلی کشیده میشوند تا سرمایه دار بتواند بخشی از سرمایه خود را حفظ کند از این جمله شاخص هاست. جالب آن جاست همین حضراتی که به پیشرفت اقتصادی می بالند کشتی سرمایه و پول خود را به مناطق آزاد سرمایه چون دوبی و کانادا می فرستند. اما سرمایه داری در ایران با قانون و زندان پشتیبانی می شود. هیچ نهادی نیست که در پس ورشکستگی کارخانه از کارگر حمایت کند. بسته شدن کارخانه مساویست با نابودی کارگری که سالیان سال از پس انداز ناچیزی هم عاجز بوده! بیمه بیکاری که اسما وجود دارد و رسما برای ۹۰ درصد کارگران

## تعطیلی صنایع در ایران...

تعرفه ی واردات نخ از پنبه کم تر است

در طی سال های گذشته چندین کارخانه تولید نخ ظریف به بهره برداری رسید و بلافاصله وزارت صنایع پیشنهاد افزایش تعرفه واردات نخ ظریف را ارائه کرد. هم اکنون یک سال است که اعضای کمیسیون ماده یک درباره تصویب پیشنهاد وزارت صنایع و معادن تعلل کرده است. در حال حاضر هم این کارخانه ها نمی توانند با وجود این تعرفه ها با رقبای خارجی رقابت کنند. هم اکنون واردان نخ به صرفه شده و تولید داخلی به مشکل فروش برخورده است. و حجم بالایی از تولید داخلی در انبارها باقی مانده است. در حال حاضر تعرفه نخ ده درصد و تعرفه پنبه ۱۵ درصد است. و این باعث شده است به جای این که پنبه از خارج وارد شود و نخ تولید شود نخ با صرفه تر شود. در حالی که زمانی ۳۰۰ هزار تن پنبه وجود داشت ولی اکنون این میزان به ۷۵ هزار تن رسیده است. در حالی که مصرف کشور در حدود ۱۵۰ هزار تن است.

### حریر قائم شهر

یک فعال کارگری شرکت کاغذ حریر قائم شهر گفت: این کارخانه هنگامی که به بخش خصوصی واگذار شد از واحد های فعال و نمونه استان

مازنداران بود که حتی بیشتر مواد اولیه کارخانه های صنایع کاغذ سازی سراسر ایران را نیز تامین کرد. این کارخانه با داشتن بیش از ۹۰۰ کارگر پس از واگذاری به بخش خصوصی دچار بحران و تعطیل شود.

### تهران کیمی کال

شرکت تولیدی نمک طعام تهران کیمی کال از اسفند ماه گذشته تعطیل بوده و کارگران این واحد به اجبار کارفرما مجبور به تسویه حساب و ترک محل کار خود شده اند. برخی از کارگران این شرکت دارای سابقه بالای ۲۵ سال هستند. این کارگران با شکایت جمعی به مراجع قانونی و قانون گذار خواهان رسیدگی به مشکل خود شده اند.

### مهر ایران

شرکت تولیدی بخاری مهر ایران به دلیل اختلاف شرکت و بدهی، تعطیل و ۴۰۰ کارگر شاغل در این شرکت اخراج شدند. حدود ۳۰ کارگر این شرکت بیش از ۶ ماه حقوق طلبکارند.

### شیشه سازی الیگودرز

این واحد سال گذشته به دلیل کمبود نقدینگی و فرسوده شدن ماشین آلات خطوط تولید با بحران مواجه شده بود که اخیراً به شخص جدیدی

واگذار شده است. این واحدها بیش از ۱۵۰ کارگر دارد که کارفرمای جدید آنها را به امور بیمه بیکاری معرفی کرده است و قول داده که پس از تعمیرات کارگران دوباره مشغول به کار خواهند بود.

### صنایع خوزستان در آستانه ی بحران

"نماینده شوش" در مجلس رژیم گفت تولیدات گروه ملی به علت واردات بی رویه آهن آلات از کشور چین در انبارهای شرکت باقی مانده و هنوز به فروش نرفته است. کشت و صنعت هفت تپه در خوزستان و کارون و شوشتر از جمله صنایع مشکل دار استان هستند.

و ....

در پایان یک نکته را باید اشاره کرد و آن اینست که خیلی ها وضعیت فعلی صنایع ایران را حاصل "عدم مدیریت"، "عدم حمایت از محصولات داخلی"، "واردات بی رویه" و غیره میدانند و نسخه شان "حمایت از بازار داخلی" است. این سیاستی است که از دولتها و مجلسها تا اپوزیسیون و حتی فعالین کارگری بکرات تکرار شده است. این سیاست آینده ندارد و البته سیاست کارگران کمونیست نمیتواند باشد.

سرمایه امروز یک پدیده جهانی است. از کارکرد بازار جهانی استفاده میکند. در یک حالت ساده میتوان اینگونه فرض کرد که همانطور شما

کفش یا پیراهن را نمیخواهید با نرخ گرانتری بخرید، سرمایه دار هم مواد مصرفی جامعه را تلاش میکند ارزانتر از بازار جهانی تهیه کند. در نتیجه ورشکستگی و تعطیلی صنایع سنتی و یا صنایع با تکنولوژی پائین و سرمایه کم اجتناب ناپذیر است. ما بعنوان جنبش کارگری و سوسیالیستی نمیتوانیم مشاور اقتصادی سرمایه داران و چگونگی اداره سرمایه داری شویم. مسئله تا آنجا به ما مربوط است که رقابت باغ وحش بازار دامن ما و کار ما و زندگی ما را بگیرد. در مقابل کل این وضعیت باید کارگران آلترناتیو خود را ارائه کنند. "یا کار یا بیمه بیکاری مکفی" یک پاسخ در وضعیت فعلی است. اینکه زندگی ما نمیتواند تابع سود و زیان سرمایه باشد. و پاسخ اساسی تر، اینست که نمیتوان امید داشت که جمهوری اسلامی این وضعیت را سرو سامان دهد. حتی بدون جمهوری اسلامی هم، سرمایه داری در ایران کمابیش همین است. راه حل واقعی کارگران عبور از کل این وضعیت است. یعنی واژگونی سرمایه داری و خارج کردن ابزار معیشت و تهیه وسائل زندگی و خوشبختی از انحصار دولت و سرمایه داران و برقراری مالکیت اشتراکی و نظام سوسیالیستی بعنوان راه حل پایان کل این بدبختیها.

ناسیونالیسم اقتصادی و حمایت از بازار داخلی، سیاستی علیه سرمایه داری نیست، بلکه سیاستی واپسگرا است که حمایت از ارتجاع و سرمایه "خودی" را در مقابل دیگر سرمایه ها تجویز میکند. و این در دنیای امروز مثل همان صنایع ورشکسته نفس سرپا ایستادن ندارد. \*

### تلویزیون برای یک دنیای بهتر

جمعه: ساعات ۵ بعد از ظهر بوقت تهران یکشنبه: ساعات ۱۲:۳۰ ظهر بوقت تهران در تلویزیون کانال یک

برای یک دنیای بهتر یک برنامه سیاسی است. بیطرف نیست، جانبدار است. مدافع حقیقت، آزادی، برابری، شادی، رفاه و سعادت انسانها است. ما برای یک جمهوری سوسیالیستی مبارزه میکنیم. لطفاً روز و زمان پخش این برنامه ها را به اطلاع همه دوستان و آشنایان خودتان برسانید.

### آثار منصور حکمت را بخوانید!

برای هر کارگر و کمونیستی که به برپایی جامعه ای سوسیالیستی فکر میکند و آن را امری مبرم و ممکن میداند، منصور حکمت یک گنجینه غنی آموزش است.

<http://hekmat.public-archive.net/>

[www.m-hekmat.com/](http://www.m-hekmat.com/)

## قدم به قدم

### حزب کمونیستی، سازماندهی، شعارها و تاکتیک

رضا تابان

#### تفاوتها

ابتدای کار و هدف بلافصل هر حزب سیاسی گرفتن قدرت سیاسی است در جهت تغییر برای جنبشی که به آن تعلق دارد و از آنجا بر خواسته است. البته ما کمونیستها مانند احزاب بورژوازی نه توان و نه هدف ورود به پارلمان را داریم و نه قدرت و هدف کودتای نظامی را. اصولاً یک بورژوا با انتخابات پارلمانی و یک حکومت دمکراتیک و یک نظامی با کودتا بر سریره قدرت می نشیند، چون پایگاه و حوزه فعالیتش پادگان و منطقه نظامی و اهرم به حرکت در آورنده اش، اسلحه و گلوله و خفقان نظامی است. امری که چپ سنتی و اردوگاهی روی هر دو این موارد به حد کافی کار کرده و نتیجه ای جز شکست برای طبقه کارگر نداشته است. تفاوت کمونیسم کارگری منصور حکمت با چپ سنتی بر سر یک تمایز اجتماعی و طبقاتی است. یعنی کمونیسم را تنها بر سر جای اصلی خود، یعنی جایی که کارگر روزمره حال چه آشکار و چه پنهان مشغول کشمکش با سرمایه دار است، برسمیت می شناسد. یعنی جنبش سوسیالیستی کارگران نمیتواند هدفی جز الغای مالکیت خصوصی سرمایه داری، لغو کارمزدی، و برپایی جامعه ای انسان محور و بدون طبقات و تضادهای طبقاتی داشته باشد. این کمونیسم در عین حال که برای نابودی سرمایه داری تلاش میکند، در عین حال در صف اول هر مبارزه کارگر و جنبش اجتماعی برای بهبود و تحمیل بخشی از حقوق و خواسته های کارگران به سرمایه داران دارد. کمونیسم کارگری یعنی جنبش و حزبی در دل جامعه، در مرکز جنبش کارگری، علیه تبعیض، علیه ارتجاع جمهوری اسلامی. یعنی حضور در کنار کارگران و زنان و جوانانی که هر روزه

درگیر مبارزه با جمهوری اسلامی هستند. یعنی سازماندهی حول شعار مرگ بر جمهوری اسلامی.

#### خم شدن روی کدام شعارها؟

اما حزب مدعی کمونیسم کارگری برای به قدرت رسیدن نیازمند سازماندهی یک انقلاب کارگری کمونیستی است. این غیر محتمل نیست که بتوان رژیم اسلامی را در اشکال و شرایطی دیگر ساقط کرد، اما به قدرت رسیدن کمونیستها در اساس از استراتژی انقلاب کارگری میگذرد. بنابراین حزب مدعی کمونیسم کارگری باید حزب رهبری کننده مبارزه روزمره کارگران علیه سرمایه داری باشد، اشکال و تجارب گذشته را ارتقاء داده، و متناسب با شرایط و مقتدرات آلترناتیو جدید و عملی تر سازماندهی و رهبری و اتحاد و تقویت مبارزه طبقه کارگر را ارائه و جاری کند.

به قول منصور حکمت: هدف حزب کمونیست ایران (زمانی که منصور حکمت در آن حزب از کمونیسم کارگری سخن میگفت) صرفاً نمایندگی کردن و سازمان دادن سیاست رادیکال در درون اپوزیسیون نیست، بلکه بنیاد گذاشتن یک کمونیسم کارگری و اصیل در ایران و به میدان کشیدن طبقه کارگر به عنوان نیروی فعال انقلاب سوسیالیستی است (از سیاست سازماندهی ما در میان کارگران)

در دو پاراگراف بالا مسئله ای که به آن اشاره شده مسلماً به میدان کشیدن کارگر به عنوان یک نیروی فعال و اکتیو در جهت انقلاب کمونیستی است. اما برای به میدان کشیدن کارگر به عنوان یک نیروی فعال انقلاب سوسیالیستی باید سازماندهی و رهبری کرد. برای این رهبری و سازماندهی باید

شعارهای جنبش سلبی موجود در جامعه را نمایندگی کرد. با عبارت دیگر نخواستن مردم را بیان سلبیت کمونیستی داد. نه تنها این، بلکه حزب پیشرو باید شعار پیشرو را ارائه بدهد و قادر باشد با درک شرایط و تناسب قوا افق جلو رفتن کل جنبش و طبقه را ترسیم کند. مثلاً در دوره ای که جنبش سرنگونی زنده است و مردم حتی با ترس و وا همه پشت آن حاضر هستند، شعار اصلاحات دادن یک شعار پاسیفیستی و یک گام به عقب است. یعنی ما پشت جنبش توده ای قرار می گیریم. یعنی ما جنبش زنده جامعه را نمی شناسیم. وقتی خطر جمهوری اسلامی را مردم بیشتر از خطر جنگ احساس می کنند، ما باید نماینده اعتراض مردم به نفی جمهوری اسلامی باشیم. در حال حاضر کماکان این وضعیت برقرار است. و گرنه با شعار نه به جنگ، در زمانی که جنگی در کار نیست، شاید انجمن اسلامی و بسیج هم پشت آن حاضر شوند. همانطور که در وقایع اخیر پشت شعار دانشگاه پادگان نیست طیف وسیعی از بدنه انجمن اسلامی هم آمد. البته باید دیگر شعارها را هم به پیش برد از جمله: حجاب نه، جنگ نه، فقر نه، دانشگاه پادگان نیست و ... اما این امر هم چگونگی خود را دارد.

#### جایگاه شعار سلبی

همانطور که گفته شد ما باید نماینده و رهبری کننده جنبش و شعار سلبی جامعه باشیم اما اینکه چه شعاری را باید بدیم به نظر من مکان و زمان خاص خود را می طلبد. همانگونه که در بالا اشاره کردم، حزب در شرایط موجود و با توجه به خاصیت مکانی آن باید پرچمدار شعار مرگ بر جمهوری اسلامی باشد. اما ارگان ها، انجمن ها، کمیته ها و نهادهایی که در داخل کار می کنند، باید شعار متناسب با شرایط و تناسب قوای محیط فعالیت شان را بدهند. مثلاً یک جمع

دانشجویی یا کارگری که تحت نفوذ حزب است، و با توجه به اینکه با جو خفقان داخلی باید کار کند، مسلماً به صورت علنی در شرایط زمانی امروز برای سرنگونی نمی تواند کاری از پیش ببرد.

پس اینجا باید برود سراغ شعارهای سلبی و نمیخواهیم ها و نمیشودها. دانشگاه پادگان نیست به این معنا برای دانشجویان شعار درستی است. اما در همین شرایط سازمان جوانان حزب در داخل به صورت غیر علنی با کارهایی مانند شعار نویسی و پخش تراکت باز هم می تواند شعارهای پیشرو تر و تند تر حزب را در جامعه به عنوان پراتیک حزبی در جامعه نمایان کند. نکته من اینست که تفاوت شعارها در جایگاه خاص خودشان اهمیت دارد. یعنی مثلاً یک شعار سلبی در دانشگاه یا جنبش کارگری منجر به آوردن طیف وسیعی حتی غیر سوسیالیست حول خود میشود و این موفقیت بزرگی برای کمونیسم کارگری می تواند باشد، ولی سازماندهی حول این شعار کار اصلی حزب نیست. بردن این شعارهای سلبی در هر محیط کار تشکل و جمع حزب در محل است. اما حزب باید نیروی سرنگونی و کسب قدرت باشد.

#### تشکل برای شعار سلبی

اما بردن شعارهایی از جمله: اعتیاد نه، فقر نه، جنگ نه، حجاب نه، کودک آزاری نه و... شعارها و اهدافی اند که تشکیلات حزب در داخل میتواند روی آن کار کند. حتی جاهانی به عنوان کانون ها می توان برای جنبش زنان هم که زیر شلاق کور استبداد قرار دارد کارهایی را به پیش برد. از جمله کارهای دیگر برای مطرح کردن این شعارها، انتشار نشریات، ایجاد نهادهای مختلف ورزشی و فرهنگی از تیم کوهنوردی و غیره تا ایجاد NGOها را می توان مد نظر قرار داد. این فعالیتها را میتوان زیر نظر تشکیلات و کمیته کمونیستی

## حزب کمونیستی، سازماندهی، شعارها و تاکتیک...

## ما کارگران دستگیری دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب را محکوم میکنیم!

### اتحادیه های کارگری آمریکا:

(اتحادیه کارگران شهرداری (لوکال ۲۶۲۰)، اتحادیه کارکنان حرفه ای و مهندسی، اتحادیه کارگران نجاری (لوکال ۲۰۹)، اتحادیه بین المللی کارگران خدمات (لوکال ۶۶۰)، فدراسیون شوراهای کارگران لس آنجلس، اتحادیه کارگران حمل و نقل و (لوکال ۵۰۲)، اتحادیه کارگران فولاد آمریکا (لوکال ۳۳۸)، کنگره سازمانهای صنعتی و فدراسیون کار آمریکا (شعبه لس آنجلس)، فدراسیون معلمین آمریکا (لوکال ۱۰۲۱)، اتحادیه کارکنان سینما و تئاتر (لوکال ۷۲۸)، اتحادیه کارگران ماشین سازی (لوکال ۹۴)، اتحادیه کارگران مواد غذایی (لوکال ۷۷۰)، اتحادیه کارگران مخابرات (لوکال ۹۰۰۰)، اتحادیه کارگران متال (لوکال ۱۰۸)، اتحادیه کارگران نساجی (لوکال ۲۲۹۷)، اتحادیه کارگران نجار (لوکال ۴۰۹)، اتحادیه کارگران ماشین سازی (لوکال ۱۱۸۶)، اتحادیه کارکنان هتل و رستوران (لوکال ۱۱۸۴)، اتحادیه کارگران بارانداز (لوکال ۱۷۱۰)، اتحادیه کارگران شستشو (لوکال ۵۲)، اتحادیه کارگران ساختمانی (لوکال ۱۱۷۰))،

خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط فعالین دانشجویی و کارگری شدند. در این قطعنامه آمده است:

### دانشجویان و کارگران زندانی را آزاد کنید!

۱- ما اتحادیه های کارگری رژیم جمهوری اسلامی را به خاطر نقض حقوق پایه ای و شناخته شده شهروندی و دستگیری و زندان و سرکوب فعالین دانشجویی، کارگری و همچنین فعالین حقوق زنان قویا محکوم میکنیم.

۲- ما اتحادیه های کارگری رژیم جمهوری اسلامی را بخاطر سرکوب زنان و جوانان و تحمیل حجاب اسلامی محکوم میکنیم. ما دستگیری و شکنجه و اذیت و آزار دهها تن از دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب را محکوم میکنیم.

### در این قطعنامه این اتحادیه های کارگری اعلام کرده اند که:

۱- ما خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط کلیه دانشجویان و کارگران و فعالین حقوق زن دستگیر شده در ایران هستیم. ما خواهان آزادی فوری تمامی زندانیان سیاسی هستیم.

۲- ما نگران جان و سلامت محمود صالحی و منصور اسانلو هستیم. ما خواستار معالجه و آزادی فوری این رهبران کارگری هستیم.

۳- ما خواهان آزادی بی قید و شرط سیاسی، بیان، عقیده، مطبوعات، تجمع و تحزب در ایران هستیم.

۴- ما از اعتراضات مردم ایران برای آزادی دانشجویان و کارگران و سایر زندانیان سیاسی قویا حمایت میکنیم.

## حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۵ فوریه ۲۰۰۸ - ۱۵ بهمن ۱۳۸۶

بخواهند تغییر موقعیت بدهند. از اساس همین بودند و سبک کار جدیدشان در رویارویی با جنبش واقعیتشان را به خوبی نمایان کرد.

نمونه های دیگر این سکتاریسم در تروتسکیست ها و نوادگان جدید حزب توده درون دانشگاه تحت عنوان مارکسیسم انقلابی قابل مشاهده است. تمام سعی آنها بر سر "پیوند" تئوری های شان با جنبش کارگری است. اما چرا اینهایی که تلاش می کنند تا کارگری باشند گرفتار سکتاریسم هستند و نمی توانند با طبقه کارگر رابطه برقرار کنند؟ اینها که مانند چپ ۵۷ انقلاب را در سازمان پیشرو به عنوان مهدی موعود برای نجات کارگران نمی بینند! اما این گرایشات هنوز مفهوم حزب طبقه کارگر را نفهمیده اند. فکر می کنند حزب طبقه کارگر متشکل از کارگران با دستهای پینه بسته و لباس های ساده در اعتراضات کارخانه خلاصه می شوند. اما نمی بینند، یا شاید درست تر است بگویم بنا به خواستگاه جنبشی که به آن تعلق دارند، باعث می شود که نفهمند مبارزه طبقه کارگر علاوه بر کارگر حاضر در کارخانه، مسائل همسرانشان در منزل، کودکان در محیط تحصیل، جوان بیکار، معتاد و ... و در یک کلام کارگر بعنوان یک موجودیت اجتماعی را درک نمیکنند. لذا این تلقی تا تحزیشان می رود. به عنوان یک تشکل پوپولیست و سکتاریست اساس رابطه خود با بافت های اجتماعی زندگی طبقه کارگر را قطع می کنند. هر تشکل پوپولیستی همین است.

در صورتی که یک تشکل کمونیستی، نه گروه فشار است و نه سازمان مصلحین اجتماعی، بلکه منشاء اثر در همه جنبه های زندگی روزمره کارگران و مردم محروم برای تغییر از یک رفم کوچک تا انقلاب کمونیستی برای الغای سرمایه داری است.\*

حزب پیش برد. به نظر من کمیته کمونیستی در اساس تشکل از رهبران کمونیست است که هر کدام در یک عرصه اجتماعی چهره معتبر و سرشناس هستند. چنین افرادی میتوانند روی اتحاد وسیع در جنبشهای اجتماعی و زنده جامعه کار جدی بکنند و جامعه را در مقابل سختی های ناشی از جو سرکوب قدرت ببخشند. یک حزب کمونیستی در کمونیستها را متشکل میکند. اما باید یادمان باشد که سبک کارمان روش سازمانهای غیرکارگری را نگیرد. اساس تشکیلات کمونیستی ما در درون طبقه کارگر است. استراتژی فعالیت تشکیلات کمونیستی در هر جا اینست که با فعالیت محوری حزب در میان کارگران همجهت شود و انقلاب این طبقه و حزب را تقویت کند.

### موانع حزب اجتماعی

یکی از بزرگترین موانع برای ایجاد یک حزب کارگری اجتماعی در کنار دستگاه سرکوب به نظر من سکتاریسم و پوپولیسم می تواند باشد. اینکه امروز می گوئیم سکتاریسم، حرفی نیست که سوسیال دموکراسی به سازمانهای چریکی به خاطر پا فشاری به عقاید می زند. اینکه می گوئیم پوپولیسم منظور ما حزب رنجبران و اتحاد با جمهوری اسلامی برای مبارزه علیه امپریالیسم و حضور به عنوان یک نیروی فعال در سیاستهای جنگ طلبانه نیست. بلکه منظور فلان فراکسیون در فدائیان است که امروز فکر می کنیم به خطر کمونیستی کارگری دارد نزدیک می شود. مفهوم این نزدیکی، رهائی آنها از معضل پوپولیسم نیست بلکه نتیجه در جا زدن ما است. یا مثلا خط حمید تقوایی با توهماتش یک وزنه پوپولیسم و سکتاریسم است. این یک خط چپ سنتی نو است و به این معنا هیچ نزدیکی با کمونیسم کارگری برای اتحاد ندارد. آنها به دست آورد تازه ای نرسیده اند که

## یک شکست بزرگ به مدافعین اسلام سیاسی در انگلستان

هما ارجمند



## وضعیت تکان دهنده محمود صالحی در مصاحبه‌ای با "محمد شریف" وکیل محمود صالحی



وخامت وضعیت جسمانی محمود صالحی شدت گرفته است. محمود صالحی در آستانه مرگ قرار دارد.

علیرغم توصیه پزشکان متخصص بیمارستان توحید مبنی بر مداوای سریع و فوری محمود صالحی، مسئولین زندان مرکزی شهر سندنج، محمود صالحی را همچنان در بند نگه داشته و مانع از مداوای او میشوند.

روز پنجشنبه ۱۸ بهمن ماه ۱۳۸۶ آقای محمد شریف وکیل محمود صالحی به همراه نجیبه صالحزاده، وضعیت جسمانی محمود صالحی را پیگیری کردند و همچنین موفق شدند که با محمود صالحی ملاقات کنند.

آقای محمد شریف در گفتگویی با "کمیته دفاع از محمود صالحی"، وضعیت جسمانی محمود صالحی، تصمیم پزشکی قانونی و برخورد مسئولین زندان را این چنین توصیف کرد:

"من روز پنج شنبه ۱۸ بهمن، به اتفاق خانم نجیبه صالحزاده همسر محمود صالحی، برای پیگیری وضعیت جسمی محمود صالحی با آقای "امیری" معاون دادرسی دیداری داشتم و در مورد وضعیت محمود صالحی از ایشان توضیح خواستم، که (آقای امیری) در پاسخ گفتند: "این مسئله به من ربطی ندارد." به بیانی دیگر تلقی من این بود که می خواست بگوید که از دست وی خارج است! البته برخورد ایشان با ما محترمانه بود، اما خانم نجیبه صالح زاده به برخوردهای قبلی ایشان با وی در مراجعاتش اعتراض داشتند. خانم صالحزاده خطاب به ایشان گفت که: "برخورد شما در غیاب وکیل محمود کاملاً با آلان متفاوت است، چرا در مراجعات من، شما رفتاری غیر محترمانه دارید؟ شما اصلاً در غیاب آقای شریف حاضر به روبرو شدن با من هم نیستید".

من لازم می دانم در مورد وضعیت وخیم محمود توضیح دهم، ایشان به غیر از مشکل اساسی کلیه که در زندان به حد کافی تشدید شده، به نحوی که آقای صالحی تاکنون دردهای شدید و طاقت فرسایی را تحمل کرده است، ایشان دچار گرفتگی عروق در ناحیه گردن، و هم چنین بیماری پروستات نیز دارد که هر کدام از این بیماری ها نیاز به معالجه اساسی توسط پزشکان متخصص دارد. آقای صالحی به غیر از نوسانات فشار خون، اگر چنانچه به مدت ده دقیقه بلند صحبت کند، بلافاصله به حالت بیهوشی دچار می شود که این از نظر پزشکان بسیار خطرناک توصیف شده است.

سه پزشک متخصص در بیمارستان توحید وضعیت محمود را به صورت مکتوب خطاب به پزشکی قانونی، وخیم گزارش کرده‌اند، این گزارش ها حاکی از این است

امتیاز دادن به گروههای مذهبی و بخصوص اسلام سیاسی ندارند. این صف همانطور که در فرانسه علیه حجاب و حمل سمبولهای مذهبی در مدارس، علیه حجاب کودکان در سوئد و قتلهای ناموسی در آلمان و با دادگاههای مذهبی و در راس آن دادگاههای شرعی در کانادا و یا در سال گذشته علیه پلاتفرم حزب محافظه کار انتاریو در حمایت از مدارس مذهبی و بطور مشخص مدارس اسلامی ایستادگی کرد، آنچنان سریع در قبال هجویات آقای ویلیامز واکنش نشان داد که هنوز هم اسقف اعظم از شوک وارده خارج نشده است.

مماشات با اسلام سیاسی و دخالت مذهب در امور جامعه و دولت باید با کمترین تالرنس مواجهه گردد. این دستگاه مخوف، ضد ترقی و ضد سعادت انسان همچنان باید از سیستم قضایی، آموزش و پرورش و دولت به دور نگهداشته شود تا زنان، کودکان و مردم بطور عموم از گزند آن در امان باشند. حقوق زنان و حقوق کودکان در جوامع به اصطلاح اسلامی مورد بیشترین تعدی و تجاوز قرار میگیرند. تقلای گروههای ارتجاع اسلامی جهت ایجاد کامیونیتی های اسلامی در قلب کشورهای غربی و حمایت بخشی از کلیسا و احزاب راست از این جریانها خطر جدی است که جنبش برابری زنان و جنبش ترقی خواهی و حقوق کودکان را تهدید میکند. بخشی از جریانها فمینیست و احزاب چپ و لیبرال زیر پوشش نسبیست فرهنگی در این جدال تعیین کننده یا سکوت کرده و یا به حمایت آشکار از اسلام سیاسی بر آمده اند. این شرایط را باید با هوشیاری و دخالتگری همه فعالین آزادیخواه، جنبش برابری زنان و سکولار تغییر داد و همچنان که اسقف کانتربری را مجبور به عقب نشینی واداشتند باید سد محکمی در مقابل تمام جبهه ارتجاع مذهبی ایجاد کرد.

[www.nosharia.com](http://www.nosharia.com)

[homawpi@nosharia.com](mailto:homawpi@nosharia.com)

416-737-9500

اسقف اعظم کانتربری، روان ویلیامز، رهبر کلیسای انگلستان پس از یک تهاجم وسیع به مواضع حمایتگرایانه ایشان نسبت به اجرای قوانین اسلامی در انگلستان، مجبور به یک عقب نشینی مفتضحانه شد. او که در سخنرانی ۷ فوریه به صراحت گفته بود که مسلمانان انگلیس برای رفع منازعات خانوادگی و مالی باید بتوانند به مراجع قضایی اسلامی رجوع کنند پس از یک اعتراض وسیع در سطح جامعه و واکنش جهانی علیه او، مجبور به انکار مواضع خود شد. ظاهراً ایشان کاربرد قوانین شریعه را صرفاً بعنوان نمونه ای از دادن آزادی عمل به گروههای مذهبی در چهارچوب یک جامعه سکولار طرح کرده بود. دروغ آشکاری که دستگاه کلیسا انگلستان هم نتوانست آن را بپوشاند و بخشا خواهان استعفاى او شدند.

احزاب و جریانها راست و مذهبی در غرب همیشه مابین دفاع از اسلام سیاسی و یا ضدیت با آن بنا به مصالح عمومی خود در نوسان بوده اند. این اولین بار نیست که دستگاه کلیسا و یا احزاب راست در قدرت به چنین سیاستی در غلطیدند. سال پیش پاپ بندیکت پس از یک انتقاد شدیدالحن به اسلام سریعاً به عذرخواهی افتاد. و یا در استان انتاریو کانادا رهبر حزب محافظه کار پس از حمله وسیع نیروهای مترقی و سکولار به پلاتفرم او مبنی بر حمایت از مدارس مذهبی و بطور مشخص مدارس اسلامی مجبور به پس گرفتن آن شد.

بخشی از جریانها مذهبی در غرب حمایت از اسلام سیاسی را جزئی از یک حرکت عمومی در دفاع از کلیت دستگاه ارتجاع مذهبی میبینند. اینها تحت پوشش دفاع از گروههای اقلیت مذهبی در اساس برای خود بازارگرمی میکنند. بخشی دیگر برای دهنه زدن به اسلام سیاسی هر گذشتهی در شرایط کنونی بخصوص در جامعه غربی را یک عقب نشینی عمومیتر تلقی میکنند. اما جرایمات مترقی و سکولار هیچ گونه منفعتی از

## یادداشت سردبیر...

نشان داد.

### "دگر اندیشان" عزیز جنبش ملی اسلامی!

بروید با رای تان یا با زدن انگشت، یا حتی پیشاپیش با ارسال پیام و تهنیت - بسمی تعالی و دعا به جان "رهبر" بادتان نرود- اعلام کنید که به تمام این جنایات مهر تائید میگذارید! بروید به ارتجاع ضد زن، ضد کمونیست، ضد آزادی و برابری، ضد کودک، ضد کارگر، ضد جامعه "رای" بدهید! "رای" شما بسیار مهم است، نه برای امروز و جیفه دنیایان بلکه برای آخرت و ثبت در تاریخ! برای آنکه نسلهای آتی بخوانند که؛ در ایران و در سرزمین عجایب جریاناتی به نام اپوزیسیون بودند که زمانی طرفدار چین و شوروی و مصدق و بعد خمینی بودند و با اینکه دنیا زیر و رو شد آنها طرفدار حکومت اسلامی باقی ماندند. آنها بحدی در ایده هایشان استوار بودند که حاضر بودند روی سنگفرش جنایت و خونریزی اسلامی، قدم بردارند و به طریق بسیار دمکرات و نازک طبع و در عین حال ساده لوحی به این حکومت لخبند بزنند، به بردارن سفارتی شان سلام و علیکی

لیست اضافه میشوند و افق "اقلیتی اصلاح طلب" در مجلس ممکن است باز باشد! ناگهان نیش ها باز شده، احساس رضایت بعنوان خط مشی عمومی تزریق شد، بازار شایعات و اظهار نظرها گرم شد! "اصلاح طلبان" همه جا، در چلو کبابی، در راهروی توالت، در اندرونی های حوزه علمیه و مساجد، در قصر سران، پشت میز حجره در بازار یا دفتر روزی نامه ها، و یا در حشر و نشر با هواداران همیشه سر بی کلاه مانده خارج، پچ پچ میکند؛ موئی از خرس غنیمت است، از هر تک صدائی باید استفاده کرد، خبرهایی خوش میرسد، بالاخره باید شرایط را درک کنیم، مواظب باشیم مردم را به دو بیراهه تمایل به سرنگونی و انقلاب و یا امید به حمله خارجی سوق ندهیم، هوشیار باشیم و جنبش اصلاح طلبی را در صحنه نگاه داریم! افق کمابیش ترسیم شده است.

این آن لقمه بود که پاره های تن نظام قرار بود بگیرند و این آن دامنه آزادیخواهی است که اپوزیسیون مجاز و غیر مجاز ملی اسلامی برای هزارمین بار

این بود که این معادله همیشه در دفاع از انحصارطلبان متفرقه حل میشد و آنها هم هیچ غلطی نمیکردند! بطرز عجیبی همیشه دشمنان دیروز دوست امروز میشدند و سجایای آنها بیرون می افتاد! گفتیم که در سیاست خیلی خیره بودند! بعد از مدتها تکرار این داستان ملال آور و پیر شدن افراد، دیگر همین شد عادت! بجز این برایشان نه ممکن بود و نه متصور! تبلیغات این کمونیستهای افراطی و این مردمی که هر روز میگفتند نمیخواهیم هم به خرجشان نرفت!

بروید، اپوزیسیون همیشه طرفدار ارتجاع سرمایه داری، بروید "رای" بدهید! به جنایت و شکنجه و اعدام و ولایت فقیه و التزام به نظام جمهوری اسلامی "رای" بدهید! به تداوم جنایت و فقر رای بدهید! شما با هر "رای" که این نظام را به خیال خود از گزند کارگر و انقلاب کارگری مصون میکنید، هزاران رای در محکومیت سیاست ضد بشری تان در دفاع از مرتجعترین حکومت زمانه و سکوت و دست تکان دادن برای سرکوب دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب و کارگران پیشرو و مبارزه دریافت میکنید! بروید به حکومت تان "رای" بدهید! بروید در این انتخابات خونین "شرکت کنید! \*

اسلامی کنند، مهرشان را به آنها و کینه شان را از این "کمونیستهای ضد انقلاب" اعلام کنند! آنها حتی وقتی شکست میخورند، پایدار بودند، میرفتند در گوشه عزلت سیاسی و برای دور بعد سرودها میخواندند. آنها وقتی از آزادی و حقوق بشر و غیره حرف میزدند اصلا کاری به این آخوندها نداشتند! آنها فقط با دیدرو و روسو و مولیر و کانت و برخی هایشان با "مارکس جوان" و غیره حشر و نشر داشتند. به کمتر از گاندی و ماندلا رضایت نمیدادند و حتی نام آخوند مورد علاقه شان را همین گذاشته بودند! ولی اینها برای این بود که به این چپهای افراطی بفهمانند که مصداق اینها که آنها میگویند؛ حجاریان و خاتمی و خامنه ای و رفسنجانی و قیلتز خمینی و خلخالی و گیلانی و خلاصه لیست طولی از جنایتکاران بنام است! آنها در سیاست خبره بودند. تنها یک مشکل وجود داشت. دولتی که این دالانی لاماهای ایران از آن حمایت میکرد، بسیار بیشرم بود. حتی اجازه چاپ یک پوستر اینها را و یا ثبت نام اینها را در این سیرک مسخره نداد! آنها خیلی "انحصار طلب" بودند و اینها خیلی "ضد انحصار طلبی". اما معمانی که همیشه بی پاسخ ماند

## LabourStart

### ایران: اقدام فوری! کارگران زندانی را آزاد کنید!

#### Iran: Release jailed workers, respect rights

The ITUC and the ITF are organising a global action day on 6 March 2008 to express our solidarity with Iranian workers once again. We want Mansour Osanloo and Mahmoud Salehi released immediately and unconditionally from prison. Their health conditions are deteriorating.



We also demand that fundamental workers' rights be respected in Iran, in accordance with the ILO core conventions. The imprisonment of Osanloo and Salehi are not isolated cases in Iran. Nine education workers were sentenced to 91 days in prison recently. The Iranian authorities claim they are "threats to the national security" although in reality, it is genuine trade union activities they want to crush.

Oppression of the independent workers' movement in Iran is escalating. That is why the global unions, together with human rights activists, wish to send a strong message to the Iranian government. 6 March falls two weeks prior to the Iranian New Year and the parliamentary elections. Send your message! Spread the word and take part in the 6 March Action Day!

[Click here to send your message http://www.labourstart.org/iran](http://www.labourstart.org/iran)

## صدمین سالگرد 8 مارس را گرامی بداریم! کنفرانس بین المللی در گرامیداشت 8 مارس و همبستگی با زندانیان سیاسی



سارا محمد

رئیس انجمن پیلا و فادیمه را  
فراموش نکن



ماریا هایبری مددکار اجتماعی  
مسئول خانه های امن برای  
دخترانی



میترا  
رقصنده و طراح رقص

مکان: گوتنبرگ، سوئد

Lundby centrum,  
Wieselgrensplatse  
n ovanpå Coop  
Forum

زمان: 7 بعد از ظهر تا 11 شب

ورودی: رایگان. اما به کمک  
های مالی شما نیازمندیم.

شام سرد و نوشیدنی در محل  
کنفرانس قابل تهیه است.

برای کسب اطلاعات بیشتر با  
شهلا نوری

تلفن: +46 737 26 26 22

آدرس ایمیل:

[azarmajedi@yahoo.com](mailto:azarmajedi@yahoo.com)

تماس بگیرید.

سازمان آزادی زن

فوریه 2008

که در این کنفرانس اجرا خواهد کرد.

کنفرانس به سه زبان فارسی، سوئدی و انگلیسی خواهد  
بود.

### سخنرانان و میهمانان:



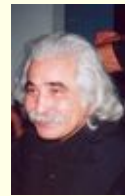
هما ارجمند سخنگوی کمپن نه به

قوانین شریعه



رسول آولا روانکاو و فعال نهاد مردان

علیه خشونت‌های ناموسی



ایرج جنئی عطایی شاعر و نمایشنامه نویس

دیبا علیخانی

فعال جنبش آزادی زن و از سازمان

دهندگان 8 مارس در سنندج



آذر ماجدی رئیس سازمان آزادی زن



هوزان محمود

نماینده خارج کشور سازمان آزادی زن عراق

### اطلاعیه 2

سازمان آزادی زن صدمین سالگرد 8 مارس، روز جهانی زن را با اجرای یک کنفرانس بزرگ بین المللی گرامی میدارد. این کنفرانس تلاشی در جهت گسترده تر ساختن جنبش آزادی زن، جنبش علیه اسلامی سیاسی و برای سکولاریزه کردن جوامع تحت سلطه اسلام است. تحریکات و حملات جنبش اسلامی به حیات و حقوق زنان نه تنها در کشورهای تحت سلطه اسلام، بلکه در کشورهای غربی رشد چشمگیری داشته است. قتل زنان و خشونت علیه زنان تحت نام ناموس هر روز قربانیان بسیاری میگیرد. محروم کردن زنان و دختر بچه ها از ابتدایی ترین حقوق و یک زندگی شاد و نرمال، تحمیل حجاب به زنان و استقرار آپارتاید جنسی از مبانی پایه ای اسلام و ایدئولوژی اسلام سیاسی است. اخیرا تلاش برای استقرار قوانین شرعیه به کشورهای غربی نیز نفوذ یافته است.

سازمان آزادی زن بر این نظر است که ساختن یک جنبش عظیم بین المللی سکولار و آزادیخواه در دفاع از حقوق و آزادی زنان و حفظ جان و امنیت آنان بسیار میرم و ضروری است. از این رو روز جمعه 7 مارس در شهر گوتنبرگ، سوئد، کنفرانسی با شرکت فعالین و چهره های شناخته شده بین المللی جنبش آزادی زن، مبارز علیه اسلام سیاسی، سکولاریست و مدافع زنان و کودکان در مقابل خشونت برگزار میشود. این کنفرانس تلاشی در جهت شکل دادن به این جنبش عظیم بین المللی است.

8 مارس امسال در شرایطی برگزار میشود که بسیاری از فعالین آزادیخواهی و برابری طلبی در اسارت رژیم اسلامی قرار دارند. کنفرانس در همبستگی با این عزیزان در بند، یاد زندانیان سیاسی در ایران، فعالین حقوق زن، دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب و رهبران کارگری در بند را گرامی میدارد و جامعه بین المللی را به تلاش برای آزادی آنها فرا میخواند. بخشی از کنفرانس به اجرای مراسم هنری توسط هنرمند و شاعر برجسته مدرن ایران، ایرج جنئی عطایی اختصاص دارد. همچنین هنرمند جوان میترا رقصی بنام آزادی را طراحی کرده



## تظاهراتها و اجتماعات ۱۵ و ۱۶ فوریه در دفاع از آزادی دانشجویان و کلیه زندانیان سیاسی

مردم آزادیخواه!

در دفاع و برای آزادی دانشجویان زندانی و همه زندانیان سیاسی و محکومیت جمهوری اسلامی از شما دعوت میکنیم با شرکت در این تظاهراتها به فراخوان دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب پاسخ دهید.

**هلند، لاهه؛ روز 15 فوریه (بنا به علت تعطیلی روز 16 فوریه)**  
ساعت 12 مقابل پارلمان هلند در دنهاخ.  
تلفن تماس- 0031617310904  
جهانگیر هاشمی  
jahangir@filternet.nl

**کانادا، تورنتو؛ کنفرانس مطبوعاتی در دفاع از آزادی همه دانشجویان و زندانیان سیاسی ایران در شهر تورنتو.**

**جمعه 15 فوریه ۲۰۰۸، ساعت 12 تا 13 مکان: مقابل پارلمان اونتاریو (کوئینز پارک)**  
کمیته هماهنگی حرکت اعتراضی 15 فوریه تورنتو - کانادا، مینو همیلی، نیاز سلیمی، رحمان نجات، محمود احمدی، بهزاد بیله ور، مهدی حسینی،

حمایت کنندگان: سازمان سراسری پناهندگان ایرانی - بيمرز، سازمان رهایی زن، سازمان زنان 8 مارس، ایرانی افغانی - کانادا، حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست (کانادا)، حزب کمونیست ایران (کانادا)، حزب اتحاد کمونیسم کارگری (کانادا)، کانون اندیشه، گفتگو و حقوق بشر، مرکز پیگرد سران جمهوری اسلامی، هواداران حزب کمونیست ایران (مارکسیست - لنینست - مانوینیست) کانادا، چریکهای فدائی خلق ایران، امیر حسن پور (استاد دانشگاه)، عزیز یوسفی

(هنرمند)، سازمان همجنسگرایان ایرانی

**فرانسه، لیون؛ جمعه 15 فوریه 2008** ساعت 6 بعد از ظهر، شب همبستگی با دانشجویان زندانی.  
مکان: شهر لیون - دانشگاه لیون  
2 bis rue de l'Université

برنامه شامل: نمایشگاه عکس، سخنرانی و اظهار نظر شرکت کنندگان. حزب کمونیست کارگری ایران. به همت و یاری: فدراسیون سندیکای دانشجویی - اتحاد برای کمونیست و کمیته کمونیست انترناسیونال (تروتسکیست)

**سوئد، استکهلم؛ شنبه ۱۶ فوریه** ساعت ۱۳ در Norrmalmstorg  
تلفنهای تماس، بهنام آرنی - 0736431739  
رعنا کریم زاده - 0739286842

واحدهای تشکیلاتی شهر استکهلم از: حزب حکمتیست، حزب اتحاد کمونیسم کارگری، سازمان سراسری پناهندگان ایرانی

**سوئد، گوتنبرگ؛ شنبه 16 فوریه،** ساعت: 12 تا 14، مکان: پرنس پارکن

گروه تدارک حرکت اعتراضی ۱۶ فوریه. تظاهرات و شب همبستگی.

حمایت کنندگان؛ واحدهای گوتنبرگ حزب حکمتیست، حزب اتحاد کمونیسم کارگری، حزب کمونیست ایران، سازمان اتحاد فدائیان کمونیست، سازمان کارگران انقلابی ایران-راه کارگر، کانون همبستگی با کارگران ایران، سازمان سراسری پناهندگان ایرانی بيمرز، سازمان آزادی زن، سازمان رهائی زن، حزب کمونیست کارگری عراق،

فدراسیون پناهندگان عراقی، رادیوهای همراه، رهائی، یک دنیای بهتر، هاویشتی.

**سوئد، لولنو؛ شنبه ۱۶ فوریه** ساعت ۱۴ محل: میدان مرکزی شهر Smdjan

واحد سازمان سراسری پناهندگان ایرانی در شهر لولنو، حزب سوسیالیست عدالتخواه، تشکیلات شهری حزب حکمتیست. غفور عباس نژاد، فرزاد صمیمی راسخ

**انگلستان، لندن؛ شنبه 16 فوریه 2008** از ساعت 12 تا 2 بعد از ظهر:

in front of National Trafalgar gallery. Square, London WC2,

کمیته برگزاری تظاهرات در دفاع از دانشجویان زندانی

**انگلستان، لندن؛ شب** همبستگی شنبه ۱۶ فوریه ساعت ۶ عصر الی ۱۰ و ۳۰ شب. سخنرانی، نمایش فیلم، نمایشگاه عکس در؛

Weston Rise Community Center 187 Pentonville Road, London, N1

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی تلفن 07950924434

**آمریکا، لس آنجلس؛ یکشنبه ۱۷ فوریه،** از ساعت ۲ بعد از ظهر در مقابل ساختمان فدرال وست وود

حمایت کننده احزاب و شخصیتهای سیاسی و رسانه های فارسی زبان.

**هلند، آمستردام؛ ۱۶ فوریه** ساعت ۱۲ الی ۱۵ در میدان دام آمستردام.

Dam Amsterdam

تشکیلات هلند حزب حکمتیست، تشکیلات هلند حزب کمونیست کارگری عراق، تشکیلات هلند حزب اتحاد کمونیسم کارگری

**نروژ، اسلو؛ شنبه ۱۶ فوریه ۲۰۰۸،** ساعت ۱۶ تا ۱۸ مقابل پارلمان نروژ در اسلو.

کمیته نروژ حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، کمیته نروژ حزب کمونیست کارگری عراق

**دانمارک، کپنهاگ؛ شنبه ۱۶ فوریه** ساعت ۱۵ در میدان مرکزی کپنهاگ

Rådshuspladsen

کمیته دفاع از زندانیان سیاسی در ایران - دانمارک

**فنلاند؛ هلسینکی؛ شنبه 16 فوریه** ساعت 1 بعد از ظهر در میدان: Kolmen Sepän patsaalla, Helsingissä شماره تماس با رضا کمانگر: 0405629548

**سوئیس، زوریخ؛ شنبه 16 فوریه** ساعت 13 تا 17 در مرکز شهر زوریخ

Bahnhofstrasse 84

شماره تماس با محمود رهبری: 0787957581

زندانی سیاسی  
آزاد  
باید گردد!

## در باره برخی مسائل گرهی کمونیسم کارگری

قسمت سوم

آذر ماجدی



**یک دنیای بهتر:** یک مساله محوری و اساسی کمونیسم کارگری تلاش بیوقفه برای انسجام و تقویت قدرت عمل گرایش رادیکال - سوسیالیست در صفوف طبقه کارگر است. منصور حکمت در پلنوم ۱۴ میگوید: "بعضای عمیق قبلی مان راجع به کارگران که کاملا صدق می کنند، مورد کاریست نیست. بعضای سیاست سازماندهی ما تازه الان عملی شده است. آن موقع که اختناق بود و نمیشد تکان خورد، ما یک بعضایی راجع به آژیوتاتور عملی، رهبر عملی کارخانه، طیف رادیکال- سوسیالیست انجام دادیم که الان قابل پیاده شدن است. الان میشود بروید طیف کارگران رادیکال- سوسیالیست داخل کارخانه ها را گیر بیاورید و بحث های مان را درون آنها ببرید. کدام بعضای ما مگر چاپ شده است؟ کدام مجموعه مباحث ما راجع به جنبش کارگری چه باید بکند، بطور قابل مصرفی، مثل جزوه فلان محفل فلسفی داده شده است در کانونهای کارگری؟ این کار را نمیکنیم. سبک کاری در کار نیست. بینشی در کار داخل وجود ندارد. بنظر من ارتباطات مان را داریم تقویت میکنیم، اما باز به شیوه اتمی داریم به آدمها خط میدهیم. در حالی که الان باید جنبش کارگری مشغول بعضای کارگری ما باشد و برسرش قطبی شده باشد". ... منصور حکمت نگرشی انتقادی به شیوه رهبری و نگرش و پراتیک حزب کمونیست کارگری در آن زمان داشت. برای تغییر این واقعیت چه باید کرد؟ گرایشات باز دارنده کدامند؟

**آذر ماجدی:** پلنوم ۱۴ اولین باری نبود که منصور حکمت به سبک کار و پراتیک حزب، بویژه در رابطه با طبقه کارگر، نقد میکرد. این نقد از ابتدای تشکیل حزب در

جریان بود. فی الواقع باید اذعان کرد که نقدی که منصور حکمت به سبک کار پوپولیستی در کنگره اول اتحاد مبارزان کمونیست در سال ۱۳۶۱ مطرح میکند، در زمان پلنوم ۱۴ نیز به قوت خود باقی است. مساله اینجاست که باید توجه داشت پراتیک نکردن آن مقولات و روش هایی که بارها مطرح شده، نتوریزه شده و حتی در طرح های کنکرت با اقلام ریز طرح شده است، نتیجه عدم درک این مقولات بخاطر فرضا پچیدگیشان نیست، اشکال معرفتی نیست. این فاصله "حرف و عمل" (انگونه که در مواردی توسط منصور حکمت فرموله میشد) ناشی از تقابل دو جنبش متمایز و دو سنت مجزا است.

بحث های مربوط به نقد سبک کار پوپولیستی، بسط سبک کار کمونیستی در سطوح تئوریک و در اجزای ریز و دقیق بمدت بیست و پنج سال توسط منصور حکمت طرح و بسط داده شد. در تمام این موارد این مباحث با اشتیاق و هیاهوی بسیار توسط کادرهای حزب و جنبش مورد استقبال قرار گرفت. سمینارهای متعددی در این زمینه برگزار شد. به نسبت این میزان فعالیت تئوریک، توضیحی، ترویجی و غیره تاثیر عملی بسیار ناچیز بوده است. هر انسان کمونیستی که به عدم پیشروی جنبش اش می اندیشد، از خود خواهد پرسید: مشکل کجاست؟ کمی تعمق پاسخ را روشن میکند: ما با دو جنبش کاملا متمایز و با دو انقلابیگری متفاوت روبرویم. فاصله حرف با عمل از اینجا ناشی میشود. هر چقدر هم که کادر جنبش پوپولیست، یا انقلابی "ضد رژیم" ما این مباحث را از بر کند، و از بر تکرار کند، باز زمانی که به پراتیک میرسد، بطور خودبخودی، یک پراتیک دیگر و یک سنت دیگر عرض اندام میکند. مشکل ما ضعف سنت کمونیسم

کارگری در پراتیک و تقویت بینش و جنبش پوپولیستی در میان صفوف مان است.

این را منصور حکمت نیز اعلام میکرد. مساله اینجاست که سنت ها جان سخت تر از آن هستند که با مطالعه کتب و خواندن تئوری تغییر یابند. تغییر باید، ابتدا تحولی جنبشی باشد. باید از دید کمونیسم کارگری، یعنی کارگر سوسیالیست ضد سرمایه به دنیا نگریم و آن را نقد کرد. البته روشن است کارگر سوسیالیست مارکسیست. نقد خرده بورژوازی از مناسبات، پاسخی در خور همان نقد را در پی خواهد داشت.

تا آنجا که به برنامه حزب کمونیست کارگری برمیگردد، این برنامه کمونیسم کارگری، بیانگر نقد سوسیالیستی- مارکسیستی کارگر مزدی به مناسبات جامعه است. لذا سوسیالیسم بعنوان تنها پاسخ دائمی و فوری مطرح میشود. تک تک کادرهای این حزب و جنبش این برنامه را پذیرفته اند و برای تحقق آن میکوشند. لیکن آنجا که به ساختن ابزار برای تحقق این برنامه میرسد، مشکلات بروز میکند، سنت های غیر کمونیسم کارگری عرض اندام میکنند و جان سخت در مقابل گرایش کمونیسم کارگری مقاومت میکنند.

برنامه از سازماندهی انقلاب اجتماعی طبقه کارگر سخن میگوید و اعلام میکند که: "یک شرط حیاتی شکل گیری و پیروزی انقلاب اجتماعی طبقه کارگر، پیدایش احزاب کمونیستی کارگری است که چنین افقی را پیشروی طبقه کارگر بگذارند و نیروی طبقه را در این مبارزه بسیج و

هدایت کنند. این احزاب که باید قبل از هر چیز تشکل متحد کننده آگاه ترین و فعالترین رهبران مبارزات کارگری باشند، باید در کشورهای مختلف شکل بگیرند." همین پاراگراف ماهیت حزب کمونیست کارگری، تمرکز اصلی و اولویت آن را بیان میکند. لذا لازم نیست زیاد دور برویم. بسیج نیروی طبقه کارگر و هدایت آن، تبدیل شدن به ظرف تشکل متحد کننده آگاه ترین و فعالترین رهبران مبارزات کارگری، وظیفه و هدف اصلی یک حزب کمونیست کارگری است. حزب کمونیست کارگری در زمان حیات منصور حکمت، علیرغم پیشروی هایی در این عرصه نتوانست به چنین حزبی بدل شود. پس از مرگ منصور حکمت مباحث حاکم و سبک کاری که رفته رفته حاکم شد حزب را هر چه بیشتر از این جهت گیری دور ساخت. پس از انشعاب حزب کمونیست کارگری کاملا از این جهت گیری گسست و به حزبی برای سازماندهی یک انقلاب

"عمومی" و ابزاری برای بیان و عرض اندام یک انقلابیگری ضد رژیمی تبدیل شد. این دگرذیبی کامل به انقلابیگری ضد رژیمی، البته زیر هیاهو ها و شعارهای سوسیالیستی از انظار برخی پنهان مانده است. بنظر من پراتیک کمونیسم کارگری کاملا در مقابل سبک کار جنبش پوپولیستی در این حزب شکست خورد.

تلاش های ما برای توقف و بازگرداندن این چرخش که در نقد سبک کار حزب، در نقد کمیته سازمانده حزب و در نقد سیاست های رهبری بروز یافت و بالاخره بشکل ارائه پلاتفرم حزب سازمانده، حزب رهبر به پلنوم ۲۶ حزب منتج شد، در ابتدا با شانه بالا انداختن بخش دیگر رهبری و بالاخره با سازماندهی یک ضد حمله وسیع به ما در همین پلنوم عملا سقط شد. شاه کلید مخالفت با نقدهای ما و تلاش های ما "شرایط تغییر کرده است" " زمان این مباحث گذشته است" "ما از این شرایط عبور کردیم" بود. حتی در

## در باره برخی مسائل گرهی کمونیسم کارگری...

پلنوم 25 رفیق حمید تقوایی مطرح کرد که زمان مباحث مربوط به "مخالف کارگران رادیکال سوسیالیست" و تلاش برای جلب و متحد کردن آنها گذشته است و ما از این شرایط عبور کرده ایم. به این اعتبار از نظر حمید تقوایی حزب با موفقیت از نقد منصور حکمت در پلنوم 14 عبور کرده بود!

تا آنجا که به حزب حکمتیست برمیگردد، این رفقا تاکید بیشتری بر نقد سبک کار پوپولیستی و تلاش برای یافتن راه کارهای سازماندهی داشته اند. این مساله را از مباحث علنی این حزب میتوان نتیجه گرفت. میتوان در فعالیت های این رفقا پیشروی هایی را مشاهده کرد. اما اطلاعات ما نسبت به این پروسه و نتایج عملی آن بسیار کم و لذا قضاوت سخت است.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری کوشیده است که تلاش خود را مصروف نقد این پراتیک کند. کوشیده است که بر مباحث اصلی سازماندهی کمونیسم کارگری متکی شود. نقد سبک کار پوپولیستی در حزب ما جریان دارد. اما ما نیز از شرایط ایده ال فاصله بسیار داریم.

مساله اینجاست که اگر ما هدف خود را سازماندهی انقلاب اجتماعی طبقه کارگر قرار داده ایم، اگر هدف مان سازماندهی انقلابی است که به لغو کار مزدی و مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و مبادله منجر میشود، باید حزب مان ابزاری برای این عمل و ظرفی برای سازماندهی، اتحاد، تشکل و هدایت رهبران عملی و رادیکال سوسیالیست طبقه باشد. لذا نقد گرایش غیر کمونیسم کارگری باید در راس فعالیت های نظری ما قرار گیرد.

گسست کامل از سبک کار و بینش پوپولیستی و حاکم کردن سبک کار کمونیسم کارگری. در این رابطه جنبش ما دارای ادبیات بسیار مهم و یک گنجینه وسیع تئوریک است. باید این ادبیات را وسیعاً در میان محافل کارگران رادیکال سوسیالیست توزیع کرد. باید جنبش کارگری را بر سر این مباحث قطبی کرد. نقد گرایش دیگر درون طبقه کارگر باید به یکی از عرصه های اصلی فعالیت ما بدل شود. باید جنبش کمونیسم کارگری را قاطعانه به این سمت سوق داد. یک امر مبرم است.

**یک دنیای بهتر:** منصور حکمت در پلنوم ۱۴ اشاره ای به موقعیت حزب کمونیست کارگری میکند. میگوید: "من در جلسه دفتر سیاسی گفتیم: من مشکل سر خط بودن حزب کمونیست کارگری بعد از خودم را ندارم، الان هم سر خط نیستم و آن موقع هم نیستم. کمونیسم کارگری الان هم حاکم نیست، آن موقع هم نباشد. مهم وحدت و ادامه کارش است." در صورتیکه کلیه بخشهای موجود کمونیسم کارگری بر تفرقه این صفوف پای فشاری میکنند پروژه حزب اتحاد کمونیسم کارگری تنها پروژه مقابل است. اما پروژه اتحاد صفوف کمونیسم کارگری با واکنش های متفاوتی مواجه شد. امید و بی اعتمادی و نقد "نستالژی" عکس العمل هایی به این پروژه بودند. تلاش ما برای در هم شکستن این روحیات و واقعیات اعتراضی ۱۳ آنر و تحولات پس از آن تلنگری به این سخت سری زد. بطوریکه حمید تقوایی در برخورد به مطلب سپاه اشاره کرد که "ما در سرنگونی رژیم و استقرار آزادی و برابری و رفاه" مشترکیم؟! با این ارزیابی چگونه باید برخورد کرد؟ برای تقویت انسجام صفوف کمونیسم کارگری چه باید کرد؟ چه اهدافی قابل حصول اند؟ موانع کدامند؟

**آنر ماجدی:** منصور حکمت در موارد مختلفی این ارزیابی را مطرح کرده بود. بنظر من در میان رهبری حزب این ارزیابی چندان جدی گرفته نمیشد و بحساب بدبینی او گذاشته میشد. تصور میکنم که بخش اصلی رهبری حزب در آن مقطع با چنین ارزیابی که کمونیسم کارگری درحزب حاکم نیست و در زمان فقدان منصور حکمت هم حاکم نخواهد بود، توافق نداشتند. منصور حکمت پس از بیماری با شدت بیشتری بر این مساله تاکید میگذاشت. نگرانی از وضعیت حزب در زمان "نبود نادر" کاملاً مشهود بود. حتی برای دوره ای از فعالیت مستقیم تشکیلاتی کنار کشید و کارها را به هیات داور واگذار کرد و فقط در شرایطی که کار باصطلاح بیخ پیدا میکرد عملاً دخالت میکرد. این تلاشی از جانب او بود تا رهبری حزب شاید با عمل "مستقلانه" و مشترک و متمرکز بتواند به برخی از مسائل و معضلاتی که میتوانست حزب را در صورت فقدان او ضربه پذیر کند، آماده شود. متأسفانه تمام این تلاش ها عملاً بی حاصل بود.

حتی چند روز پس از عمل جراحی، یک سال پیش از مرگش، در یک جلسه دفتر سیاسی که تقریباً کلیه اعضای دفتر سیاسی شرکت داشتند، شرکت کرد و وصیتنامه سیاسی خود را مطرح کرد. بنظر من حتی این وصیت نیز جدی گرفته نشد. او خطاب به دفتر سیاسی گفت که اگر حزب ضربه بخورد از رهبریش ضربه میخورد. طرح رهبری جمعی در پلنوم 14 نیز تلاشی برای حفظ حزب بود. حفظ وحدت حزب مهمترین هدف بود و وحدت حزب ایجاب میکرد که رهبری متحد و متمرکز و با حفظ اعتماد نسبت به یکدیگر فعالیت کند.

متأسفانه خیلی سریع پس از مرگ او نطفه های افتراق با طرح بحث رهبری فردی و بالاخره پیاده کردن آن در پلنوم 17 در حزب پاشیده شد. از

## در باره برخی مسائل گرهی کمونیسم کارگری...

ابتدا روشن بود که سیاست ها و تاکتیک ها موضوع بحث و اختلافات فکری - سیاسی خواهد شد. این یک بخش اجتناب ناپذیر فعالیت سیاسی و یک حزب سیاسی است. مساله اینجاست که اتوریته فکری، سیاسی و تئوریک منصور حکمت آنچنان قوی و گسترده بود که کادرهای حزب به فعالیت در چنین شرایطی تا حدودی ناآشنا بودند. اختلافات سیاسی در جدال بر سر رهبری فردی به شکل گیری جناح های، بنظر من، غیرواقعی شکل داد. مباحث بیش از حد قطبی شد. اختلافات تاکتیکی - سیاسی تا حد مسائل هویتی، برنامه ای ارتقاء یافت. اعتماد کاملا سلب شد. و بالاخره به انشعاب انجامید. این آن آینده ای بود که بنظر من منصور حکمت پیش بینی کرده بود و تمام تلاشش برای نزدیک تر کردن رهبری به هم، طرح رهبری جمعی و این توصیه ها برای اجتناب از چنین شرایطی بود.

انشعاب به شدت به جنبش کمونیسم کارگری ضربه زد. یک حزب قوی، با اتوریته، میلیتانت که عملا رهبری مبارزه علیه جمهوری اسلامی در خارج را بدست گرفته بود و بر روند جدل های فکری اصلی جامعه، از جمله ناسیونالیسم، آزادی زن، فدرالیسم، سرنوونی طلبی، دموکراسی و غیره تاثیرات عمیقی گذاشته بود، در اثر انشعاب و بخصوص در جو پرخاشگرانه ای که بوجود آمد، بشدت تضعیف شد. انشعاب ضمنا سیاست هایی که به اختلاف انجامیده بود را بشکل قطبی تری بر دو حزب حاکم کرد. لذا هر یک از احزاب پس از انشعاب مواضعی بسیار انحرافی تر از مواضع حزب قبل از انشعاب اتخاذ کردند. اکنون که به گذشته می اندیشیم، بنظرم القاب چپ و راست به شکل بسیار نادقیق و

"کنفرانس وحدت" داریم. تمام این اظهار فضل ها خیلی سریع رنگ باخت و پوچی خود را به اثبات رساند. ما سربلند تر از این پروسه بیرون آمدیم. این حرکت ما اشتیاق و امید در دل بسیاری از کادرهای کمونیسم کارگری بوجود آورده است. از این حرکت ما استقبال شده است. روابط ما با رفقای حزب حکمتیست بسیار نزدیک تر شده و فی الحال ظرفیت و قدرت بیشتر کمونیسم کارگری عیان شده است. همین تلاش ما در جنبش سرنوونی طلب و جنبش کمونیسم کارگری امید و در دل دشمنان کمونیسم ترس ایجاد کرده است.

بنظر من باید همین پروسه را متمرکز تر و با شتاب بیشتری ادامه داد. ما تا ابد وقت نداریم. باید کمی بیشتر بجنبیم. باید تلاش کنیم نزدیکی بیشتر عملی در صفوف کمونیسم کارگری بوجود آوریم. اتحاد عمل در میان جنبش کمونیسم کارگری کاملا ممکن است و باید آن را تسریع کنیم. اعتماد های سلب شده را باید ساخت. سمینارها و کنفرانس های مشترک میتواند در این جهت مفید باشد. یکی از موانع سنگ اندازی های ح ک ک است. امیدواریم که این رفقا نیز به اهمیت این مساله واقف شوند و روش خود را تغییر دهند. اتحاد کمونیسم کارگری یکی از ملزومات پیروزی کمونیسم کارگری است.

**یک دنیای بهتر:** انشقاق در صفوف کمونیسم کارگری از قدرت عمل این جنبش به طور بارزی کاسته است. جنبش ما قابلیت بسیج اجتماعی خود را در سطح خارج از کشور به درجاتی از دست داده است. اذعان به این واقعیت خود حتی با سرسختی های معینی در بخشهای مختلف کمونیسم کارگری مواجه میشود. برخی معتقدند با هر انشعاقی تقویت میشوند! چه عواملی موجب چنین ارزیابی های هستند؟ آیا توقعات هم در این جنبش افت

کرده اند؟ برای تغییر این وضعیت چه راههایی را پیشنهاد میکنید؟

**آذر ماجدی:** من کاملا با این ارزیابی موافقم که قدرت بسیج و تاثیر گذاری کمونیسم کارگری کاهش یافته است. در مقابل چپ سنتی فعال تر شده است. در نتیجه این شرایط شاهدیم که نقد منصور حکمت در میان چپ سنتی باب شده است. این خود یکی از نتایج تضعیف کمونیسم کارگری است. کمونیسم کارگری بعنوان یک جنبش خواهان اتحاد و وحدت طبقه کارگر و کمونیسم است. لذا اعلام این مساله که هر انشعاب و جدایی، حزب باقیمانده را تقویت کرده است، کمی نقض غرض است. این مواضع بعضا صرفا ارزش مصرف تبلیغاتی دارند. دارند با سیلی صورت را سرخ نگاه میدارند. بعضا نیز اشاره به خلوص و یکپارچگی صفوف است. این دومی خاصیت یک سکت است. حزب سیاسی از انشعاب ابراز شادمانی نمیکند. یک سکت اما به خلوص ایدئولوژیک خود می نازد.

ضمنا باید توجه داشت حزبی که هدف سازماندهی ندارد، تلاشش مصروف به تبلیغ و ترویج است، احتیاج چندانی هم به نیرو ندارد. با صدور اعلامیه و تبلیغات تلویزیونی به هدفش نائل میاید. حزبی که تمام فلسفه وجودیش را اعلام مواضع "رادیکال" میسازد، میتواند در خلوت چند نفره خود نیز اعلام موضع کند و اطلاعات صادر کند. حزبی که میخواهد مبارزات طبقه کارگر را سازماندهی و هدایت کند، حزبی که قصدش تامین رهبری رادیکال و کمونیستی بر جنبش های اجتماعی است، حزبی که میکوشد محافل کارگران رادیکال سوسیالیست را متحد کند، شیوه برخورد و بیفش اش به مبارزه حزبی، به اختلافات سیاسی، و به کار سیاسی متفاوت است.

به این معنا باید گفت که یک تقلیل گرای بر

آخرین خبر،

## حکم اعدام شهلا جاهد لغو شد!



سخن با خانواده  
لاله سحر خیزان

ضمن درک احساسات انسانی شما، از شما خانواده محترم لاله سحرخیزان تقاضا داریم که با حکم قصاص و شرط چشم در مقابل چشم مخالفت کنید. اگر شهلا جاهد از روی اجبار به قتل لاله اعتراف کرده باشد، شما نخواهید توانست خودتان را ببخشید!

دولت مرتکب قتل عمد می شود تا مردم بدانند که قتل عملی غیر انسانی است!!! اجرای این قوانین نتیجه عکس آنچه مجریانش ادعا میکنند را دارد!!! داستان چشم در مقابل چشم متعلق به قرون وسطی است.

ما بارها به اعتراضات جهانی برای نجات جان شهلا ها، دلارها، نازنینها و کبرها دامن زده ایم و موفق هم بوده ایم! اما اینبار رژیم اسلامی می خواهد همه عواقب این جنایت را به گردن شما بیاندازد. شما زیر بار این فاجعه نروید! شما با این حرکت انسانی خود در کنار میلیونها انسانی قرار میگیرید که از آدمکشی و اعدام متنفرند. مطمئن باشید همه انسانهایی که در کمپین 10 اکتبر علیه قتل عمد دولتی به خیابانها آمدند به شما درود خواهند فرستاد!

با این ابتکار نه تنها خدمت بزرگی به یک انسان و خانواده اش می کنید، بلکه سنتی انسانی را در جامعه نهادینه می کنید! من به شما اطمینان میدهم که با این اقدام، شما نهالی را در زمین می کارید که هر روز شاخ و برگ و میوه ای تازه میدهد و خوشنمایی بزرگی را نصیب شما خواهد کرد.

این نهال را به نام لاله سحرخیزان در حیات خانه بکاریم و نام این عزیز را برای همیشه زنده نگه داریم!

20 ژانویه 2008

Shahla.n@bredband.net

### اعدام "نه"!

قاتل اصلی لاله، شهلا جاهد نیست. قاتل واقعی لاله عزیز شما و صدها انسان دیگر که در جامعه ایران به قتل می رسند، حکومتی است که کشتن انسانها را جایز می داند. حکومتی است که طی سی سال گذشته، خود نماینده قتل عام زندانیان سیاسی بوده است. حکومتی است که خود بیش از صد هزار انسان را اعدام کرده است.

چه کسانی قرار است شهلا جاهد را محاکمه می کنند؟ کسانی که دستشان تا آرنج به خون صد هزار انسان دیگر آلوده است!!!

نیلوفر سحرخیزان (خواهر لاله) می گوید که به هیچ وجه رضایت نمی دهد. او می گوید: شهلا باید اعدام شود. ما برای روز اعدام شهلا لحظه شماری می کنیم. وی باید به سزای عمل جنایتکارانه خود برسد. خودم طناب دار را به گردنش خواهم انداخت.

دایی لاله می گوید: اگر شهلا جاهد این عمل شنيع را مرتکب شده باشد و یا به احتمال قریب به یقین از روی عشق و علاقه شخصی به ناصر محمد خانی این قتل را به گردن گرفته باشد، در ماهیت قضیه تفاوتی ایجاد نمیکند. در هر حال ما خانواده لاله نباید خواهان قصاص شهلا جاهد باشیم.

با اعدام شهلا جاهد مشکل چه کسی حل میشود، جز اینکه یک انسان دیگر هم بقتل برسد و خانواده دیگری هم داغدار می شوند!

ما به نمایندگی از طرف همه مخالفین اعدام در سراسر جهان

جاهد، "همسر صیغه‌ای" ناصر محمدخانی بسته شد.

پرونده‌ای که 17 مهر ماه سال 81 با قتل همسر 32 ساله ناصر محمدخانی، لاله سحرخیزان، مفتوح و باعث بروز حرف و حدیث‌ها و اتفاقات بسیاری شده بود و در تمام این مدت متهم اصلی پرونده در بازداشت به سر می‌برد. عبدالصمد خرمشاهی، وکیل شهلا جاهد، دیروز به خبرورزشی گفت: به طور غیرمستقیم شنیده‌ام که حکم اعدام موکل من تأیید شده است اما در روز گذشته (چهارشنبه) در تماسی با دایره اجرای احکام، به ما اعلام شد که هنوز حکمی به این دایره ابلاغ نشده است.

خرمشاهی افزود: طبق قانون لزومی ندارد که تأیید حکم اعدام به بنده ابلاغ شود اما پیگیری‌هایم نشان می‌داد که چنین قضیه‌ای صحت دارد. به هر حال همه احکام و پرونده‌ها باید روزی نهایی و قطعی شود. با این وضع و طبق نظر دفتر نظارت قوه قضاییه این حکم نیز نهایی شده است.

وکیل شهلا جاهد با اشاره به اعتراضات متعددش به احکام صادره، افزود: از تمام راهکارهایی که در قانون وجود داشت استفاده کردیم و البته باید از آنها استفاده می‌کردیم. به هر حال این حقی است که قانونگذار برای متهمان قائل شده است که در چارچوب قانون می‌توان از آن بهره برد.

پرونده شهلا جاهد پس از صدور حکم از دادسرای امور جنایی با درخواست تجدید نظر وکیل وی به شعبه 26 دیوانعالی کشور ارجاع شد اما سه قضای این شعبه پس از بررسی بسیار حکم دادگاه بدوی را تأیید کردند.

**حکم اعدام شهلا جاهد لغو شد!**  
حکم اعدام شهلا جاهد، که مطبوعات ایران آنرا "جنجالی ترین پرونده سالهای اخیر" مینامند، و مبارزات و تلاشهای وسیعی برای جلوگیری از اجرای این حکم ضد بشری صورت گرفت، نهایتاً امروز توسط شاهرودی لغو اعلام شد و به مسیر دیگری از تحقیقات افتاد. تا اینجا ایم یک پیروزی برای طرفداران الغای مجازات اعدام است. ما خود را در شادی این اردو و خانواده و دوستان شهلا شریک میدانیم و این پیروزی را به همه فعالینی که در این راه تلاش کردند تبریک می‌گوئیم.

یک دنیای بهتر

مطلب زیر توسط شهلا نوری در ۲۰ ژانویه خطاب به خانواده سحرخیزان نوشته شده است. هر چند امروز این حکم لغو شده است اما همین سخنان را باید خطاب به هر کسی گفت و نوشت که فکر میکند "اجرای عدالت" از مسیر تکرار جنایت آنهم توسط جنایتکارترین دولت میگذرد.

**دولت مرتکب قتل عمد می شود تا مردم بدانند که قتل عملی غیر انسانی است!!!**



شهلا نوری

به گزارش جهان، و به نقل از خبر ورزشی سرانجام پرونده جنجالی جنایت آپارتمان شماره 46 خیابان گل نبی حوالی میدان کتابی با تأیید حکم اعدام شهلا

## در باره برخی مسائل گرهی کمونیسم کارگری...

فعالیت حزب و بخصوص از کنگره دوم به بعد بر این مساله تاکید بسیار داشت. رابطه اصلاحات و انقلاب که یکی از وجوه و مبانی کمونیسم کارگری است و یک فصل مهم در برنامه یک دنیای بهتر عملا از همین بینش ناشی میشود. این روشی است که ما را قادر میکند رهبری رادیکال کمونیستی را برجانبش های اجتماعی حاکم کنیم. رهبران کمونیست را به رهبران قابل اعتماد جامعه بدل کنیم. کمونیسم و حزب کمونیسم کارگری را به یک حزب معتبر و قابل انتخاب برای بخش مهمی از مردم بدل کنیم. کمونیسم و جدل های سیاسی - اجتماعی آن را به مباحث بستر اصلی جامعه بدل کنیم. حزب و جامعه بحثی در این باب است.

بنظر من، فی الحال شرایط بهبود یافته است. مبارزات دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب تأثیرات چشمگیری بر این روند داشت. باید با بوجود آوردن نزدیکی فکری و عملی بیشتر، با تبادل نظر روتین تر، با بلند کردن پرچم کمونیسم کارگری منصور حکمت و ضمنا با نقد قاطعانه انحرافات غیر کمونیستی، پوپولیستی کمونیسم کارگری رادیکال و رزمنده و دخالت گر را به راس جنبش سرنگونی طلبی رهنمون شویم. تلاش سخت و پیگیر و خستگی ناپذیر تنها راه است. خوشبختانه گذشته روشن و مایه امید است.\*

جنبش کمونیسم کارگری حاکم شده است. از یک طرف ح ک ک به یک رادیکالیسم صوری دچار شده است. مواضعی بظاهر رادیکال میگیرد ولی در عمل گرایش های غیر کمونیستی در حزب حاکم میشوند. فقدان پراتیک کمونیستی در ح ک ک با مواضع ظاهرا رادیکال و شعارهای کمونیستی پوشیده میشود. از طرف دیگر درحزب حکمتیست پا روی زمین داشتن در تبیین و پراتیک سیاسی به یک تقلیل گرایی در افق و مطالبات و بصورت تقلیل گرایی در تاکتیک منجر شده است. این روش را در تاکتیک های سیاسی ای که پیش از انشعاب در حزب مورد اختلاف بود و سپس بعضا در حزب حکمتیست حاکم شد، شاهد بوده ایم. تلاش در اجتناب از درغلطیدن به یک رادیکالیسم صوری و صرفا ضد رژیمی این رفقا را به تقلیل گرایی از جهت دیگر سوق داده است.

اما مساله اینست که ما باید رادیکالیسم را توده ای کنیم. باید پا بر زمین داشته باشیم، اما زره ای در اهداف و امیالمان کوتاه نیایم. باید ماکزیمالیست باشیم اما راه عملی دست یابی به آن را بیابیم. این کمونیسم کارگری منصور حکمت است. منصور حکمت در تمام طول ده سال

## عفو قاتل در ازای ساخت مدرسه!!!

کامیار آزادمهر

به عقد کسی درآمده و از او جدا شده و پس از آن نیز با مردی به نام «حمیدرضا نصیری» که فروشنده پوشاک است، ازدواج کرده است، چهار ماه پیش از قتل، «منیژه» با من تماس تلفنی گرفت و تا زمان اجرای نقشه به مدت چهار ماه رابطه پنهانی من و «منیژه» ادامه داشت، او هر بار در این تماس ها پیشنهاد قتل شوهرش را با من در میان می گذاشت، تا این که در سوم دی ماه 83 با نقشه قبلی دو نفره، وارد منزل مسکونی مقتول شده و با همدستی «منیژه» شوهرش را به قتل رساندیم، سپس من بلافاصله از منزل خارج شدم و «منیژه» در حالی که با دست و پای بسته وارد کوچه شد با داد و فریاد خود همسایه ها را خبر کرد و به آنان گفت که دو نفر سارق در حالی که صورت های خود را پوشانده بودند، وارد منزلش شدند، طلاهای او را به سرقت برده و شوهرش را نیز به قتل رسانده اند.

پس از مراجعه زن به اداره آگاهی، مأمورین متوجه تناقض گویی های وی شده و موفق به اعتراف گرفتن از او می شوند. اعترافات وی که مطابقت کامل با گفته های افشین، متهم اصلی پرونده، داشت در پرونده ثبت و به صدور حکم قصاص توسط دیوان عالی کشور منجر شد.

قصاصی که قرار بود صبح امروز اجرا شود به شرط ساختن مدرسه ای با نام مقتول از سوی اولیاء دم بخشیده شد!"

متهم به قتلی که اجرای حکم قصاص او طبق رأی دیوان عالی کشور صبح روز 23 بهمن ماه 86 در زندان مرکزی اصفهان مقرر شده بود از سوی اولیای دم به طور موقت و مشروط به ساخت مدرسه ای به نام مقتول بخشیده شد.

به گزارش فارس، خانواده مقتول پای چوبه دار به متهم دو هفته فرصت دادند که در ازای ساخت مدرسه ای با هزینه یکصد میلیون تومان به نام مقتول، از قصاص قاتل فرزند خود صرف نظر کنند.

"افشین داوری 31 ساله متهم است که با همدستی همسر مقتول «منیژه - د» 27 ساله در ساعت 11 شب سوم دی ماه سال 1383 وارد منزل مسکونی مقتول به نام «حمیدرضا نصیری» 29 ساله فرزند «علی» شده و با پنهان شدن در کمد، پس از ورود مقتول به خانه، او را غافلگیر کرده و با همکاری «منیژه»، با وی درگیر می شود، سپس فشردن گلولی وی او را به حالت نیمه جان در آورده است. پس از آن به منظور اطمینان یافتن از مرگ او قرص سیانوری را که قبلا تهیه کرده بود به مقتول می خورد و منتظر مرگ حتمی او می شود، متهم در ادامه از «منیژه» می خواهد، لباس های او را که در اثر درگیری با مقتول به خون آغشته شده بود، بسوزاند.

متهم طی اعترافات خود در مراحل اولیه بازجویی که 12 روز پس از ارتکاب جرم صورت گرفت، اظهار داشته است: 13 سال قبل با «منیژه - د» آشنا و به او علاقمند شدم، به طوری که قصد ازدواج با او را داشتم، این ازدواج به دلایلی صورت نگرفت تا این که يك سال پیش اطلاع یافتم که «منیژه» یکبار 6 ماه قبل

آزادی زن معیار آزادی جامعه  
است!

برابری بیقید و شرط زن و مرد  
همین امروز!

نشریه یک دنیای بهتر به خانواده نصیری بخاطر اقدام انسانی شان صمیمانه تبریک میگوید.

ماشین اعدام و آدمکشی را باید از پانین متوقف کرد. نقش خانواده های مقتولین در این امر بسیار مهم است. تأثیرات اینگونه اقدامات بشمار است.\*

## ۱۶ اسفند - ۶ مارس...

ایران می باشند، فشار می گذارد و به کسب آزادی منصور اسالو و محمود صالحی کمک می کند.

ما همه اعضاء را فرا می خوانیم تا ادارات مربوطه در دولت و سیاستمدارانی که قصد دیدار رسمی از ایران را دارند، به پشتیبانی از موردهای منصور اسالو و محمود صالحی و ارتقاء و ترویج حقوق کارگران، جلب کنند. همچنین با هر هیئت نمایندگی ایرانی که به دلایل یا دیپلماتیک یا تجاری در حال بازدید از کشور شما هستند، باید برخورد شود و درباره این موارد و حقوق کارگران در ایران مذاکره و بحث شود.

در اطلاعیه قبلی، ما نمونه مطالب و مواد کارزار را برایتان فرستادیم. فیلم کوتاه "آزادی خواهد آمد - داستان منصور اسالو" میتواند برای پیش بردن کارزار استفاده شود. این فیلم بر روی دی.وی.دی. چند زبانه (انگلیسی، فارسی، عربی، فرانسه، آلمانی، اسپانیایی و ژاپنی) در دسترس است. لطفاً با استفاده از فرم ضمیمه، به ما اطلاع دهید که چه مطالب و موادی را احتیاج دارید.

در زمانی نزدیک به روز تعیین شده، ما خلاصه ای از پیشنهادات و مطالب و مواد ترویجی و تبلیغی برای حمایت از فعالیتهای شما را، برایتان خواهیم فرستاد. لطفاً از تارنمای کارزار برای دانلود کردن اطلاعات مربوط به روز کارزار استفاده کنید. [www.freeosanloo.org](http://www.freeosanloo.org)

در ضمن، لطفاً مسئول تماس اتحادیه تان را معرفی کنید و ما را از برنامه فعالیتهای تان برای این روز با خبر کنید. لطفاً جهت هماهنگی های تکمیلی با آقای مک اوراتا [urata\\_mac@itf.org.uk](mailto:urata_mac@itf.org.uk) در ارتباط باشید.

برادر شما

دیوید کاکرافت، دبیرکل

آدرس تماس با مسئولین حزب اتحاد  
کمونیسیم کارگری

علی جوادی (دبیر کمیته مرکزی)

[Ali\\_Javadi@yahoo.com](mailto:Ali_Javadi@yahoo.com)

Tel: +1 310 402 6567

هیات دایر دفتر سیاسی (علی جوادی،  
سیاوش دانشور، آذر ماجدی)

[AzarMajedi@yahoo.com](mailto:AzarMajedi@yahoo.com)

[siavash\\_d@yahoo.com](mailto:siavash_d@yahoo.com)

کمیته سازمانده (علی جوادی، نسرین  
رمضانعلی)

[nasrin\\_ramzanali@yahoo.com](mailto:nasrin_ramzanali@yahoo.com)

مسئول خارج کشور (محمود احمدی)

[mahahmadi@yahoo.com](mailto:mahahmadi@yahoo.com)

مسئول سایت و آی تی حزب (مجید  
پسنتچی)

[x\\_magid@yahoo.com](mailto:x_magid@yahoo.com)

دبیرخانه (شراره نوری)

[markazi.wupi@gmail.com](mailto:markazi.wupi@gmail.com)

به حزب اتحاد کمونیسیم کارگری  
کمک کنید!

Bank : Wells Fargo Bank -  
N. America

Routing Number : 121 000  
248

Account Number: 36 48 46  
88 52

## وضعیت تکان دهنده محمود صالحی در مصاحبه ای با "محمد شریف" وکیل محمود صالح...

که محمود صالحی توانایی تحمل کیفر را ندارد. اما آقای دکتر "بابایی" جانشین مدیر کل پزشکی قانونی برای دومین بار تمامی این گزارشات را رد کرده و گفته است که ایشان در وضعیتی هستند که می توانند کیفر در نظر گرفته شده را تحمل کنند. ضمناً آقای بابایی به جهت این که من در مصاحبه هایم نام ایشان را برده ام ناراحت هستند. دیگر مسئولین محلی قضایی نیز از بابت رسانه های شدن مسائل محمود در سطح جهان، تذکر به نماینده دائمی ایران در سازمان ملل متحد، آمدن نمایندگان از مجامع جهانی کارگری و هم چنین هیئتی از اتحادیه اروپا و پیگیری مشکلات محمود بسیار عصبانی و ناراحت هستند.

در ادامه ما به نزد آقای امجدی دادستان سنجند رفتیم. ایشان در ابتدا تحکم آمیز با من برخورد داشتند و گفتند من شما را به عنوان وکیل محمود صالحی قبول ندارم. من نیز به ایشان گفتم که آیا قوانین قضایی که در سنجند جدا از قوانین دیگر مناطق ایران می باشد؟ طبق قانون من وکیل آقای محمود صالحی هستم. شما اگر به هر دلیلی وکالت مرا قبول ندارید، که من بروم پیش آقای صالحی و وکالت جدیدی تنظیم کنم. این چنین بود که من متقابلاً با صدای بلندتری با ایشان صحبت کردم و وی نیز به ناچار با آرام کردن من، مرا به اتاقش راهنمایی کرد. من وضعیت جسمانی محمود را به وی متذکر شدم و گفتم بنا به دلایل مستند پزشکان متخصص، محمود توانایی تحمل کیفر را ندارد، اما پزشکی قانونی گزارشات فوق را تاکنون رد کرده است. ترتیبی دهید که مشکلات پزشکی ایشان در بیرون از زندان مرتفع شود. گذشته از این، ایشان قرار است در تاریخ ۴/۱/۱۳۸۷ آزاد شود، با توجه به این که آقای صالحی تاکنون به مرخصی نرفته اند (تاکنون با مرخصی وی مخالفت شده است) من از شما خواهش می کنم با در نظر گرفتن وضعیت جسمی وی با مرخصی ملحق به آزادی ایشان موافقت شود. به طوری که ایشان در شب سال نو بتواند در کنار خانواده اش باشد. آقای امجدی با درخواست من موافقت نمودند و قول دادند، نهایت همکاری در این خصوص اعمال گردد. هم چنین با درخواست ملاقات من با محمود صالحی به عنوان وکیل قانونی وی نیز موافقت کردند.

من در ملاقات با محمود صالحی وضعیت او را بسیار نگران کننده دیدم. خود او نیز از من خواست که وضعیت جسمانی خطرناک وی را پیگیری کنم. من لایحه ای را در خصوص موارد فوق نوشتم و تحویل همسر آقای صالحی دادم. اما بعد از مراجعت من به تهران ایشان با من تماس گرفتند که این لایحه توسط دادستانی رد شده است، هم چنین آقای "امجدی" مجدداً وکالت مرا در قبال آقای صالحی به زیر سؤال برده اند. من فکر می کنم چنین تصمیمی توسط نهادهای دیگر گرفته شده است. لازم می دانم متذکر شوم که رسانه های داخلی و خبرگزاری ها از انعکاس خبری مشکلات محمود صالحی خودداری می کنند. اخیراً خبرگزاری ایسنا مصاحبه ای با من انجام دادند، اما از انعکاس جلوگیری کردند. آن ها در پاسخ من که چرا این مصاحبه منتشر نمی شود؟ گفتند که این یک تصمیم داخلی است."

۲۳ بهمن ۱۳۸۶

www.freeosanloo.org

## زنده باد ۱۶ اسفند - ۶ مارس

## "روز همبستگی جهانی با کارگران ایران"

دیوید کاکرافت دبیر فدراسیون جهانی حمل و نقل روز ۶ مارس برابر با ۱۶ اسفند را "روز همبستگی جهانی با کارگران ایران" و آزادی منصور اسانلو و محمود صالحی اعلام کرده است.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری از این فراخوان ارزشمند فدراسیون جهانی حمل و نقل استقبال میکند و به نوبه خود در گسترش آن میکوشد. گسترش همبستگی بین المللی کارگری یکی از ارکان سیاست انترناسیونالیستی ماست. کارگران میهن ندارند. این حکم مانیفست کمونیست است. ما در مقابل توحش سرمایه و تمامی بنیانهای فکری و سیاسی اش، چهارچوب و مبانی فکری و سیاسی طبقه خود و ارزشهای انسانی و رهاییبخش جنبش کمونیسم کارگری را قرار میدهیم. ما درمقال سیاست ایجاد مرز و هویتهای کاذب ملی و میهنی، هویت انسانی و طبقاتی خود را قرار میدهیم. ما درمقابل اتحاد سودجویانه سرمایه، اتحاد انسانی و طبقاتی خود را قرار میدهیم. ما در مقابل سیاست تفرقه افکنانه و کور ناسیونالیسم، سیاست همبستگی بین المللی کارگری را قرار میدهیم.

منصور اسانلو، محمود صالحی و تمامی فعالین کارگری بدون قید و شرط باید آزاد شوند. این یکی از اهداف این اعتراض است. اما حرکتی که سوت آغاز آن زده شده است مسلماً به تحقق همین اهداف بسنده نخواهد کرد. مبارزه برای سایر خواستهای پایه ای کارگران از جمله مبارزه برای پرداخت فوری دستمزدهای معوقه، مبارزه برای افزایش دستمزد، مبارزه برای دریافت بیمه بیکاری مکفی، مبارزه برای برخورداری از حق تشکل و اعتصاب گوشه دیگری از مطالباتی است که امروز طبقه کارگر برای آن مبارزه میکند. این مبارزه باید این اهداف را هم در دستور کار خود قرار دهد.

## رفقای کارگر

این اقدام فدراسیون حمل و نقل یکبار دیگر نشان میدهد که شما در مبارزه برای تحقق اهداف عادلانه و انسانی خود تنها نیستید. دنیای کارگران با شماست. متحد شوید. متشکل شوید. مجامع عمومی خود را تشکیل دهید.

## زنده باد همبستگی بین المللی کارگری!

## زنده باد سوسیالیسم!

## حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۸ فوریه ۲۰۰۸ - ۱۹ بهمن ۲۰۰۸

فدراسیون جهانی حمل و نقل  
(ITF) اعلام کرد:

## ۶ مارس - ۱۶ اسفند

روز همبستگی جهانی با  
کارگران ایرانی

از: فدراسیون جهانی حمل و نقل  
(ITF)

به: تمامی سازمان های عضو

موضوع: روز اقدام جهانی در  
همبستگی با کارگران ایرانی

## یاران گرامی

بیشتر از ۲۰۰ روز از زمانیکه منصور اسانلو در ژوئن ۲۰۰۷ ربوده و به زندان اوین فرستاده شد، می گذرد. فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل (آی.تی.اف) و وابستگانش، کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری (آی.تی.یو.سی) و اعضایش، و همکاران در فدراسیون اتحادیه های جهانی، کارزاری را به همراه یکدیگر برای آزادی وی و پیشبرد و ارتقاء حقوق کارگران در ایران به راه انداخته اند. همچنین محمود صالحی، یکی از رهبران برجسته اتحادیه کارگری در کردستان، از ماه مارس ۲۰۰۷ تاکنون در زندان بسر می برد.

در ماه اوت ۲۰۰۷، یک ماه بعد از ربودن و بازداشت منصور اسانلو، آی.تی.اف و آی.تی.یو.سی. یک "روز اقدام" در پاسخ به دستگیری غیرقانونی او برای بار سوم توسط مقامات ایرانی، سازماندهی کردند. از آن زمان تا کنون، کارزار فعالیتهای و قطعنامه ها ادامه پیدا کرده است. این اقدامات بر روی تارنمای کارزار شرح داده شده است.

مردم درگوشه و کنار دنیا، در حال برپاکردن کارزار برای منصور اسانلو هستند؛ در ماه اکتبر ۲۰۰۷، رهبران اتحادیه کارکنان کشتیرانی اندونزی به تهران رفتند تا همبستگی شان را با منصور اسانلو و محمود صالحی و خانواده هایشان اعلام کنند؛ بخش کارگران بارانداز آی.تی.اف.، کارزار را تماماً مورد تأیید قرار داد، از شرکت کنندگان در اجلاس اخیر حمل و نقل هوایی داخلی در قاهره خواسته شد تا دولتهای مربوطه شان را به حمایت از کارزار جلب کنند؛ و کمیته حمل و نقل شهری در اجلاس ژانویه ۲۰۰۸ فراخوانی برای اقدامات بیشتر داده است.

با این حال، هنوز اینطور بنظر میرسد که گویا در تهران گوش کسی به حرف ما بدهکار نیست. هیچ اقدام مثبتی از طرف حکومت ایران صورت نگرفته است. از این هم بدتر، هم محمود صالحی و هم منصور اسانلو از نظر سلامتی مشکلاتی دارند که نیاز به درمان در خارج از زندان دارند که مقامات ایرانی دائماً طفره میروند.

آی.تی.اف به همراه آی.تی.یو.سی. همه اعضاء را برای پیوستن به "روز اقدام جهانی در همبستگی با کارگران ایرانی" در روز ۶ مارس فرامی خواند. همانطور که اعضاء ما در بخش کارگران راه آهن آی.تی.اف. میدانند، که این روز سالگرد بالا بردن ایمنی خطوط راه آهن است که تظاهرات ها، گردهمایی ها و جلسات همگانی در دنیا برپا می شود.

آی.تی.اف به همراه آی.تی.یو.سی. همه اعضاء را برای پیوستن به "روز اقدام جهانی در همبستگی با کارگران ایرانی" فرامی خواند. بر پایه صحبتهای انجام شده با آی.تی.یو.سی.، ما احساس کردیم که یک اقدام در سطح جهانی قبل از انتخابات پارلمان و سال نو ایرانی پیام قدرتمندی را می رساند و بر روی آنها که مانع فعالیتهای جنبش اصیل کارگری در